

ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دوره جدید سال چهارم شماره ۴۵

شهریور ۱۳۶۵

بهاء ۵۰ ریال

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

قیام مسلحانه

راه حل انقلابی پایان دادن به جنگ

در صفحه ۳



جنگ

و

گسست در هیئت حاکمه

سران مرتجع جمهوری اسلامی، که یکی از مخوفترین و بیسابقهترین رژیم‌های خشونت‌بار در سراسر جهان را در میهن ما برقرار نموده‌اند، هر روز بیشتر سیاستهای جنگ طلبانه خود را بعد از راه‌های می‌بخشد و برداشته آن جنون آغاز می‌افزایند. مرتجعین در آستانه آغاز هفتمین سال جنگ ارتجاعی، با هدف بیرون رفتن از این بست‌آباد مه‌دار جنگ و برای بقا، ونجات خود، جز تشدید و گسترش جنگ، راهی

در صفحه ۲

تجربه نشان داد که تنها سرنگونی رژیم کافی نیست، بلکه مهم‌تر از آن قدرت سیاسی است که باید در دست توده‌های مردم قرار بگیرد تا با ردیگر مرتجعین زمام امور را در دست بگیرند و بر مقدرات مردم حاکم نشوند. ما برای این مسئله، به همان اندازه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تاکید میکنیم، چرا که از هم‌اکنون مرتجعین در کمین نشسته‌اند تا با سرنگونی جمهوری اسلامی، دوباره قدرت را را بدست بگیرند.

برای پایان بخشیدن به جنگ و دست‌یابی بیک صلح دمکراتیک، برای پایان بخشیدن به تمام مآثباتی که رژیم جمهوری اسلامی بار آورده است، یک راه در برابر شما قرار گرفته است. قیام مسلحانه.

طبقه کارگر و مسئله ملی!

میورزد، و خود را با عبارات پردازیهای بسی مقدار مشغول میدارد، مشت خود را بیشتر بازمیکند و به تناقض‌گویی آشکار می‌پردازد. تلاشهای توجیه‌گرایانه نویسندگان مقاله، نه تنها به آنها کمکی نمیکند، بلکه بیش از پیش عمق انحراف نظری و اکتونومیسیم ریشه دار این جریان رفرمیست را برملا می‌سازد.

با زتاب سیاستهای عمومی راه‌کارگر - که همواره در فکر "مبارزه‌ای ممکن" برای "پیشروی ممکن" و دنبال "خواست ممکن" بوده است - در کردستان، دنباله روی (ر-ک) وقناعت و شعار طرح شده از

در صفحه ۶

ریکای کربکا شماره ۳۶ ارکان "کمیته کردستان. راه کارگر" منتشره در مردادماه، طی مقاله ای تحت عنوان "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، خود مختاری خلق کرد و کمونیست‌ها"، اوج در هم اندیشی و اغتشاش فکری خود را بنمایش گذاشته است. نویسندگان (ر-ک) تمام تلاش خود را بکار بسته‌اند تا با کلی بافی مینیمم‌گویی و تجرد اندیشی، سیاست پرولتری در قبال مسئله ملی را مخدوش سازند تا شاید بتوانند با تکیه بر تحریفات و ارائه درک نازل از مسائل، رفرمیسم و دنباله روی خود را توجیه نمایند. (ر-ک) در این میان اما هر قدر بیشتر اهتمام

عملیات کربلا

و

تشدید فشار برای اعزام اجباری به جبهه‌ها!

در آستانه هفتمین سال جنگ ارتجاعی ایران و عراق، رژیم جمهوری اسلامی، در پی تلاشهای گسترده جهت تدارک یکسک‌ها جم‌بزرگ در جبهه‌ها، جنون جنگ طلبی‌اش را دهها بار افزایش داده است.

رژیم که با انجام "عملیات کربلا" در جبهه‌های مهران و جنوب یکبار دیگر صدها تن را در مهلکه مرگ و نیستی قربانی نموده، همچنان بر فشارهای خود برای اعزام اجباری جوانان به جبهه‌ها ادامه میدهد. اما در مقابل اعتراض علیه رژیم و بر ضد جنگ و خودداری کارگران و زحمتکش از رفتن به جبهه‌ها، تا مین نیروی انسانی را بیکای از مغفلت املی رژیم مبدل نموده است.

ارگانهای ستمگر جمهوری اسلامی در کردستان نیز همچنان با حربه‌ها، در صفحه ۹

در صفحات دیگر:



اخبار جنبش توده‌ای

۱۵

گرامی باد

نخستین پیروزی خلق ویتنام ۲۰

گرامی باد خا طره شهدای

شهریور ماه سازمان در کردستان ۲۲

هه موو میلیله تپک ما فی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه په

جنگ و گسست در هیئت حاکمه

راباگسیل امواج انسانی همزمان در طول جنبه (شمال و جنوب) آغاز کرد و حول آن نیز به تبلیغات پرداخته و اقدامات پرده‌ای برداشت. رژیم با حمله به حاج عمران و تشدید حملات خود در جبهه فام و تصرف یک اسکله از کار افتاده، مقدمه حملات بعدی و گسترده تر خود را فراهم ساخت. تعرضات جدید رژیم تحت عنوان عملیات کربلای ۲ و کربلای ۳ هر چند که در کلیت خود در ادامه سیاستهای عمومی رژیم و در رابطه با تعدیل بحران و بیانات از سقوط انجام میگیرد، اما همزمانی این حملات با کثایش اجلاس سران کشورهای "غیر متعهد" مبین اهداف دیگر رژیم نیز هست. رژیم بر آن بود تا با این حملات در آستانه برگزاری کنفرانس، هویت خود را بعنوان قدرت فائقه و ژاندارم منطقه به جهانیان و به امیرالیهت‌ها نشان دهد. تشدید تعرضات توسعه طلبانه و دام زدن به تمام سلالات پان اسلامیتی در این مقطع تجلی این هدف بود. گشایش اجلاس سران کشورهای "غیر متعهد" همان عرصه‌ای بود که رژیم قصد آن داشت تا از آن طریق خود را بعنوان یک قدرت برتر بیثبات سازد. اما این خواست و هدف رژیم و دام زدن به تمام سلالات توسعه طلبانه اگر در عرصه خارجی با تشدید جنگ و لشکرکشی‌های جدید آغاز شد که در ادامه خود در شمال و جنوب دامنه وسیعتری بخود گرفت، در عرصه داخلی همانا تشدید سرکوب‌توده‌ها و کشتار کارگران و زحمتکشان و موج اعدام‌های بی وقفه زندانیان سیاسی و گسترش و تشدید جوتور و خفقان، با هدف تشبیه و تحکیم موقعیت متزلزل رژیم در جامعه بود. توسل به سرکوب و سرنیزه در سیاست داخلی رژیم، در انطباق با سیاست خارجی رژیم مبنی بر جنگ افروزی، کشتار و سرنیزه است.

کربلای ۲ و ۳ استراتژی جدید جنگی رژیم که بازتاب تعمیق بحران اقتصادی سیاسی و رشد تفادهای درونی آنست، موج تبلیغات بی وقفه سران رژیم را بدنبال داشت. آنان پیرامون با اصطلاح پیروزیها کسب شده، هیاهو برپا کرده و هزاران

پیش‌بای خود نمیبینند. تشدید بحران موجود، و اوضاع به غایت رقت بار اقتصادی که تشدید جنگ نیز برداشته آن بطور بیسابقه‌ای افزوده است، متنفر عمیق توده‌ها نسبت به جنگ و دام زدن‌گان آن را برانگیخته است و تظاهرات و اعتراضات عینی و آشکار علیه جنگ و علیه رژیم بیش از پیش امکان بروز یافته است. چنین تصویری از مجموعه اوضاع و شرایط، برخورد حکومت گران نیز پوشیده نیست. سران رژیم همه از موقعیت حساس و شرایط حساس و غیره سخن میگویند. تحولات قریب الوقوع اجتماعی را پیش‌بینی نموده و از هم اکنون خطر خیزش توده‌های انقلابی را بخوبی احساس کرده‌اند. از این رو همه تلاش خود را بنکار گرفته‌اند تا پیش از آنکه آن لحظه فرا برسد، با توسل به شیوه‌های مختلف و با کسب پیروزیهای هر چند کوچک و موقت در جنگ، حیات بی‌ثبات خود را موقتاً نجات بخشند. حال آنکه مجموعه سیاستهای متخذه در رابطه با تداوم جنگ، تفادهای اجتماعی را هر چه بیشتر فرسوده تر ساخته و با متراکم کردن این تفادهای لحظه انفجاری را نزدیک تر میکند.

در حالیکه تشدید اوضاع و خامت بار اقتصادی و اثرات مخرب آن، زندگی توده‌ها را بیش از پیش با مشکلات و دشواری‌های متعدد روبرو میسازد، سران رژیم و از جمله رضاشی فرمانده سپاه پاسداران، سال جاری را سال تعیین سرنوشت جنگ میخوانند و روش رژیم در قبایل چنین وضعیت فلاکت بار اقتصادی و چشم انداز خیزشهای توده‌ای از زبان رفسنجانی اینگونه بیان میشود:

"راه حل مناسبی که ما تشخیص دادیم اینست که ما هم بگونه‌ای حرکت کنیم که قبل از آنکه فشار اقتصادی بخواد اثر خودش را بکند ما جنگ را تمام کنیم!"

چنین است که تعیین تکلیف نهایی مسئله جنگ و توسل بیش از پیش رژیم به کسب امواج انسانی به جبهه‌ها در دستور قرار میگیرد. تعجیل جمهوری اسلامی در کسب حداقل پیروزیهای جزئی و موقت در همین رابطه یعنی حفظ حیات بی‌ثبات رژیم است.

بدنبال این سیاست و برای تعیین تکلیف نهایی جنگ، رژیم تعرض جدید خود

کشته و زخمی را پیروزی و پایان کار صدام قلمداد نموده و دوبرای بسیج هر چه بیشتر نیرو و زمینه چینی حملات بعدی به این تبلیغات ادامه دادند. رفسنجانی شهریور سال را با سال پیش متفاوت خواند و گفت که امسال همه با پدیده‌سوی جبهه‌ها بیروند! شانزدهم شهریور، هیئت دولت با اختصاص مبلغ با زهم بیشتری به هزینه‌های جنگی بر اهداف توسعه طلبانه رژیم پهای فساد و سختگوی سپاه پاسداران در همین روزها، طی مباحثه‌های آمادگی ستادهای پشتیبانی و "تیورهای نظامی" سراسر کشور را اعلام کرد و مطرح ساخت که تا پایان شهریور ماه امسال، تمام نیروهای پانصدگردان رزمی عازم جبهه‌های شبردمیشوند. ارگانه‌های رژیم با صدور اطلاعیه‌های بی‌دری و تحت فشار قراردادن کارگران و زحمتکشان، دانش آموزان و کارمندان و غیره، از آنها میخواستند تا به جبهه‌های جنگ روانه شوند. فرماندهان پایگاههای نواحی استان کردستان در کرد هم‌آئی بیست و ششم شهریور ماه قطعنامه ادامه جنگ صادر می‌کنند و آمادگی پانزده گردان رزمی تکمیل شده را برای شرکت در جبهه‌ها و ادامه کشتار اعلام میدارند. واحد بسیج سپاه از دا و طلبین ورودیه دانشگاه میخواستند که هر چه زودتر خودشان را به سپاه پاسداران معرفی کنند، تا ترتیب اعزام آنها به جبهه‌ها داده شود و همزمان "وزارت آموزش عالی" بر اساس مصوبه شورای عالی فرهنگی برای ترغیب و تحمیق افراد به رفتن به جبهه‌ها، شانس قبولی این افراد را سه برابر سایر دا و طلبین میخواند. سران رژیم "کنگره بین المللی بررسی جنگ" را ابداع می‌کنند و به نمایش رژه نیروها سرکوبگرد شهرها میبرند و هفته جنگ را بزرگ میکنند و در تکمیل این ترفندها فشارهای بی‌حد و حصر رژیم بر توده‌ها و گسترش ابعاد سربازگیری اجباری، مویسد این مسئله است که رژیم برای دستیابی به اهداف ارتجاعی خود، تداوم جنگ ارتجاعی به هر قیمت را همچنان در دستور کار خود دارد.

اما تداوم جنگ ارتجاعی و ابعاد جدیدی که رژیم بان بخشیده است، هیچ یک از اهداف ارتجاعی او را برآورده در صفحه ۱۰

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی تبدیل کنیم



اطلاعیه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

قیام مسلحانه

راه حل انقلابی پایان دادن به جنگ

کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

شش سال از هنگامیکه جنگ همه جانبه دولتهای ایران و عراق آغاز گردید، گذشت. جنگی که جز سیه روزی و بیدبختی، کشتار و ویرانی، فقر و خانه خرابی، و دهها مصیبت اجتماعی دیگر نتیجه‌ای برای توده‌های مردم ایران و عراق در پی نداشته است. آنچه که طی این شش سال بر مردم دو کشور ایران و عراق گذشته است، عمق فاجعه‌ای را که این جنگ ارتجاعی به بار آورده است نشان میدهد. تعداد کشته‌شدگان، مفقودین و معلولین از مرزیک میلیون گذشته است. میلیونها تن از توده‌های مردم این دو کشور بی‌عزت و آواره، بی‌خانواده و گداخته خود را در دست داده، از شهرها و روستاهای خود رانده شده و آواره و در بیدرگشته‌اند. بخش عظیمی از این مردم از هستی باقی مانده به صورت آوارگان جنگی، در اردوگاه‌های فقر و بیدبختی تلنبار شده و در بدترین شرایط معیشتی و بهداشتی بسر می‌برند. صدها هزار خانواده داغدار و محیبت دیده، به سوگ عزیزان از دست رفته خود نشسته‌اند. جنگ تعداد زیادی از شهرها و روستاها، مراکز اقتصادی و بخش عظیمی از ثروت‌های ملی دو کشور را که ارزش آنها حدود ۵۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است، بکلی ویران و نابود کرده است. این جنگ همدساله میلیاردها دلار هزینه، به مردم ستم‌دیده این دو کشور تحمیل نموده و طی شش سال گذشته این هزینه‌ها متجاوز از ۴۰۰ میلیارد دلار شده است.

جنگ شش سال تمام، نوم توده‌های مردم ایران و عراق را در تشویش و بیم، دل‌پره و اضطراب قرار داده است. هر لحظه اضطراب و تشویش ناشی از بسیاری از، شوک باران و کلوله باران، هر لحظه بیم و دل‌پره ناشی از، از دست دادن فرزند، شوهر، برادر، و پدری که در جبهه‌های جنگ است، چون کابوسی وحشتناک بر فراز سر مردم ایران و عراق قرار داشته است.

اما، نتایج فاجعه بار این جنگ بد آنچند که گفته شد، محدود نیست. جنگ، اقتصاد ایران را به ویرانی تمام و کمال سوق داده است. طی شش سال گذشته بیوسه وضعیت اقتصادی جامعه بوخامت گرا شده و بحران اقتصادی تشدید شده است. بسیاری از کارخانه‌ها و موسسات تولیدی بکلی تعطیل شده و در تعدادی دیگر تولید به حداقل ممکن کاهش یافته است. کشاورزی با وضعیت وخیمی روبه‌روست و تولید محصولات کشاورزی، در بسیاری موارد کاهش یافته است. وضع چنان وخیم است که حتی ابتدائی ترین نیازهای مردم دم از طریق واردات تامین می‌گردد. کمبود کالاهای اساسی و نیازهای عمومی مردم در همدجا محسوس است. فشار بسیار این بحران اقتصادی و وخیم تر شدن روزافزون آن، بردوش توده‌های مردم ایران قرار دارد. با تعطیل روزافزون کارخانه‌ها و موسسات مختلف، مداوماً تعداد بیشتری از کارگران بیکار شده و به ارتش عظیم بیکاران پیوسته‌اند. دهقانان نیز که تحت تاثیر تشدید بحران اقتصادی بنحور روزافزونی خانه خراب شده‌اند، به این ارتش بیکاران پیوسته‌اند. هم اکنون تعداد بیکاران از مرز ۴ میلیون تن گذشته است. این جمعیت چند میلیونی در مرز گسالی هستند که حتی ارتامین حداقل معیشت خود را نتوانده‌اند محرومند و با فقر و سیاه روی هولناکی دست یگریبانند.

قیمت کالاهای چند سال ادامه جنگ، مداوماً افزایش یافته است. هر روز و هر ساعت، بر قیمت کالاهای افزوده شده است. روزی نمی‌گذرد که بر قیمت مایحتاج عمومی مردم افزوده نگردد. فشار این تورم افسارگسیخته سیر قبل از همه بردوش توده‌های مردم ایران، بویژه کارگران قرار دارد، که دستمزد ناچیز آنها ثابت مانده است. این فشار سدی است که دیگر توده‌های مردم قادر نیستند با دستمزد و حقوق ناچیزی که دریافت میکنند، حداقل مایحتاجی را که برای گذران یک زندگی معمولی لازم است، تامین کنند. بسیاری از خانواده‌های رحمتکشان حتی قادر به خریدن گوشت و برخی مواد غذایی دیگر نیستند. این فشارهای عظیم ناشی از بحران اقتصادی، به همراه تحمیل هزینه‌های ناشی از جنگ برگردیده رحمتکشان، زندگی را به حد غیر قابل تحملی رسانده است. ارتجاعی و جنگ طلب جمهوری اسلامی هزینه‌های سرسام آور جنگ را مستقیم و غیر مستقیم بردوش توده‌های مردم ایران قرار داده است. بخشی از این هزینه‌ها از طریق ارتش اضافی ناشی از تولید نفت، که کارگران آفریننده آن هستند و بخشی دیگر بویژه از طریق مالیات‌های غیر مستقیم اخذ میشود. طی شش سال گذشته، مداوماً سربازان مالیات‌ها افزوده شده‌اند و سراسر افراد جوان رژیم، پرداخت کنندگان اصلی این مالیات‌ها کارگران، دهقانان، حرد تولید کنندگان و کسبه جزء، و حفر کوران دوانه‌اند. اما دولت تنها به اخذ مالیات اکتفا نکرده بلکه سالی سر مستقیم و غیر مستقیم، بارور و بیدبختی را بر مردم کرده است. مرسان نخبه‌وار

نستمزدکارگران بعنوان کمک به جبهه های جنگ کسر شده ، مزایای مختلف آنها حذف شده و بر شدت استثمار کارگران افزوده گشته است . با همه این فشارهایی که به مردم ایران وارد شده است رانیوه فجایع و مآثیری که جنگ بسیار آورده است ، هنوز هم رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ، این پاسدار نظام سرمایه داری و ارتجاع مذهبی ، این مظهر ستمگری ، جیل ، خرافات و جنگ ، برادامه جنگ پای می فشارد و شمار ادا مه جنگ تا پیروزی راسر میدهد .

جنگ زندگی را بر مردم ایران تباہ کرده است ، اما مرتجعین حاکم بر ایران ، بخاطر مقاصد جاه طلبانه و توسعه طلبانه و منافعی که از این جنگ ارتجاعی عایدشان شده است ، به ادا مه جنگ کمر بسته اند . فجایع چند سال گذشته کافی نیست ، رژیم جنگ طلب سب جمهوری اسلامی در تدارک یک حمله نظامی دیکرو فجایعی عظیم تر از گذشته است . جمهوری اسلامی تدارک کشتار عظیم توده های مردم ایران و عراق را می بیند و برای تحقق این نقشه شوم خود ، از هم اکنون بر شدت فشار بر مردم افزوده است . فشار هزینه های جنگ را هر چه بیشتر و مستقیم تر بر دوش توده ها انداخته است . هزینه های جنگ را افزایش داده است و با زور و تشدید مردم را گروه گروه به جبهه های مرگ و نیستی می فرستد و هر کسی را که از رفتن به جبهه های جنگ سر باز زند ، بد زندان می افکند .

این سیاست جنگ طلبانه و ددمنشانه ، ذاتی رژیم است که در همه عرصه ها ، سیاستهای فدخلتی ، ارتجاعی و ضد انقلابی خورابه نمایش گذاشته است . رژیمی که با سلب ابتدائی ترین حقوق مردم کوی سبقت را از همه رژیم های ارتجاعی و فاشیستی ربوده است و با برقراری یک دیکتاتوری غریان و عنان کسخته و سرکوب بیرحمانه ، حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی را بکلی از مردم ایران سلب نموده ، دهها هزار تن از انقلابیون ایران را بجرم دفاع از سوسیالیسم ، دمکراسی و آزادی به جوخه اعدام سپرده و پسا در سها جالهای قرون وسطایی خود به بند کشیده است .

این رژیم ، اقلیت های ملی ، مذهبی و قومی را از حقوق ابتدائی شان محروم نموده و به آزار و سرکوبی مهابای آنها دست زده است . زنان ایران راحتی از حقوق انسانی محروم نموده و ستم و تبعیض بر پایه جنسیت را بحدی رسانده که با زنان بمشابه برده و انسان ناقص العقل برخورد میکند . جمهوری اسلامی ، مراکز آموزشی ، مدارس و دانشگاهها را به مراکز آموزشی خرافات تبدیل نموده است . این رژیم هر مطالبه برحق و هر اعتراض عادلانه کارگران و دهقانان را با سرکوب پانخ داده است . در اشرار عمسال سیاستهای بنفایت ارتجاعی خود فقر و فلاکت عظیمی را بر همه جا حاکم کرده است . بی جهت نیست که امروزه در ایران ، فقر ، جنت است ، فحشاء ، دزدی و اعتیاد ابا دفا جمه باری بخود گرفته است ، فقر و بدبختی سراسر ایران را فرا گرفته است . هر روز بر تعداد گدایان و ولگردان افزوده میشود ، فحشاء ، بنحوبی سابقه ای رشد کرده است ، هیچگاه تاکنون اعتیاد تا این حد رواج نداشته است . آمار ی کسه پلیس رژیم منتشر ساخته است ، نشان میدهد که همه روزه بر تعداد جوانانی که بخاطر فقر و استیمال به دزدی ، اعتیاد ، فحشاء و مفاسد اجتماعی دیگر روی میآورند ، افزوده میگردد .

چه کسی جز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم بر ایران مسئول این همه مآثبات و تباهی اخلاقی و معنوی است ؟ این مآثبات و مفاسد نتیجه جبری اجتناب ناپذیر نظام سرمایه داری و سیاستهای فوق ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی میباشد . روشن است ، رژیمی که سیاست داخلی اش در همه عرصه ها ارتجاعی و ضد انقلابی است ، در سیاست خارجی نیز سیاستی ارتجاعی را پیش میبرد . جمهوری اسلامی همانگونه که در سیاست داخلی به سرکوب و اختناق متوسل شده است ، جنگ را نیز به ابزاری برای پیشبرد سیاست خارجی خود بدل کرده است . از همین روست که جنگ طلبی جز لاینفک سیاست خارجی آن محسوب میگردد .

رژیم جمهوری اسلامی بعلت خملت مذهبی اش ، مدافع پان اسلامیم ارتجاعی و توسعه طلب است و میکوشد از طریق جنگ ارتجاع مذهبی اش را ماد در کند . بنا بر این علیرغم نفرت و انزجار توده های مردم از ادا مه جنگ ، باز هم جنگ را ادا مه میدهد و بر شدت آن مباحثه میکند . جنگی که تماما بنفع سرمایه داران آخوندها و امیرالیبست ها است . تنها کافی است که اشاره شود در اشرار ادا مه جنگ ، امیرالیبست ها میلیاردها دلار از فروش اسلحه به جیب زده اند و بردار مننه مداخلات سیاسی و نظامی خود در منطقه خاور میانه افزوده اند اما جز مآثبات بیشتر و فشارهای روز افزون چیزی عاید توده های مردم ایران و عراق نشده است . توده های زحمتکش ایران و عراق که هیچگونه دشمنی با یکدیگر نداشته و ندارند و این جنگ را برخلاف منافع و مصالح خود میدانند خواهان پایان یافتن جنگ اند ، اما رژیم جمهوری اسلامی نه فقط خواهان ادا مه جنگ است بلکه بر شدت مخاصمات جنگی افزوده و در تدارک یک حمله نظامی دیگر است . این حمله باز هم نتایج اش کشتار تعداد کثیری از زحمتکشان مردم ایران و عراق خواهد بود و مآثبات و بدبختی های ناشی از جنگ را بمقیاس عظیمی افزایش خواهد داد . توده های مردم ایران با بدبختیهای جدی علیه رژیم برخیزند و اجازه ندهند که بیش از این ، با ادا مه جنگ ، فجایع دیگری با آرد . اگر وضع بر همین سوال باشد ، با گذشت هر روز اوضاع وخیم تر خواهد شد و شرایطی دشوار تر و اسف بار تر از امروز در انتظار مردم خواهد بود . مگر آنکه توده های زحمتکش ایران به نسر دی آشکار برای سرنگونی رژیم سب سر خیزند .

کارگران ! دهقانان ! سربازان ! روشنفکران انقلابی !

درنگ جایز نیست . هیچ معجزه ای در کار نخواهد بود . تنها اراده انقلابی شما برای پایان بخشیدن به جنگ از طریق سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ، تنها قیام و انقلاب میتواند اس همه مآثبات و فجایعی که رژیم جمهوری اسلامی بسیار آورده است . پایان بخشد . این حق عادلانه مردم ایران است که برای پایان بخشیدن به جنگ دست یابی بیک ملخ دمکراتیک ، برای پایسان بخشیدن به ستمگریهای بیشمار رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به تمام مسلحان متوسل گردند . بی هیچ تردیدی ، تلفات و مآثباتی که در حین این تمام به مردم ایران وارد خواهد آمد ، هزاران بار کمتر از تلفات و مآثباتی است که همه روزه تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بر مردم ایران وارد شده است . قضا توده های مردم ایران که حامل سنت های انقلابی درخاسی هستند ، مردمی که همین

چند سال پیش با انقلاب خود، رژیم شاه را با همه قدرت و توان نظامی و سرکوباش و از گون کردند و نظام سلطنتی را به گورستان تاریخ سپردند، سنگ دوام و بقا، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را نیز تحمل نخواهند کرد و آنرا به همان گورستانی خواهند سپرد که رژیم سلطنتی را سپردند.

دور نیست روزی که توده‌های مردم ایران، مستمکران حاکم را سرنگون سازند، به جنگ پایان بخشند و یک حکومت دمکراتیک و انقلابی را در ایران برپا دارند. این یگانه راهی است که در برابر زحمتکشان و مردم ایران قرار گرفته است.

سازمان ما بمنوان سازمانی که از منافع طبقه کارگر، و از موضع این طبقه از منافع عموم توده‌های زحمتکش و ستمدیده ایران دفاع میکند، از همان نخستین روز آغاز جنگ بر ماهیت ارتجاعی این جنگ تاکید نمود و در هر گام منابرت آنرا با منافع توده‌های مردم ایران و عراق نشان داد. امروز نیز پس از گذشت شش سال از آغاز جنگ خطاب به شما توده‌های مردم ایران تاکید میکنیم که تنها راه نجات از شر فقر و بدبختی، ستم و دیکتاتوری و اختناق و جنگ و ویرانی قیام مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی و ایجاد یک حکومت دمکراتیک انقلابی است که در آن، قدرت سیاسی در دست کارگران و دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد. تجربه چند سال گذشته، بویژه بقدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی نشان داد، مادام که قدرت سیاسی در دست توده‌های مردم قرار نداشته باشد، وضع روز بروز وخیم تر خواهد شد.

تجربه نشان داد که تنها سرنگونی رژیم کافی نیست، بلکه مهم تر آن قدرت سیاسی است که باید در دست توده‌های مردم قرار بگیرد تا بار دیگر مرتجعین رمام امور را در دست نگیرند و بر مقدرات مردم حاکم نشوند. ما بر این مسئله به همان اندازه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تاکید میکنیم، چرا که از هم اکنون مرجعین در کسین نشسته اند تا با سرنگونی جمهوری اسلامی، دوباره قدرت را دست بگیرند. روشن ترین نمونه آن سازمان مجاهدین خلق ایران است که میخواهد درست همان نقشی را بازی کند که خمینی و دارو دستا و در چین سرنگونی رژیم شاه بر عهده گرفتند. سازمان مجاهدین که به دروغ خود را مدافع مردم و انقلاب معرفی میکند، در واقع امر مدافع حفظ قدرت سیاسی در دست سرمایه داران است. علاوه بر این، علمبرگم اینک جمهوری اسلامی ماهیت ارتجاعی و ستمدیمکراتیک هر حکومت مذهبی را به همگان نشان داد، بار هم این سازمان خواستار ایجاد یک حکومت مذهبی دیگر بنام "جمهوری دمکراتیک اسلامی" در ایران است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بالعکس، از استقرار یک حکومت انقلابی دمکراتیک در ایران دفاع میکند که در آن قدرت سیاسی در دست کارگران، دهقانان و عموم زحمتکشان قرار داشته باشد. دمکراسی شورائی اعمال شود و مردم از طریق شوراها یکی کسده هم بمناب قوه مقننه و هم اجرائیه عمل میکنند، اعمال حاکمیت نمایند. سازمان ما با هر شکل حکومت مذهبی مخالف است و خواهان جدائی کامل دستگاه دولت از مذهب میباشد. ما از حکومتی دفاع میکنیم که حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی مردم را برسمیت بشناسد. هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت، ملیت و قومیت را ملنی سازد، حقوق اجتماعی برابر زنان با مسروران را برسمیت بشناسد و حق ملیتهای تحت ستم کرد، ترک، بلوچ، ترکمن و عرب را در تعیین سرنوشت خویش بپذیرد. ما از یک حکومت انقلابی - دمکراتیک کارگران و زحمتکشان ایران دفاع میکنیم که قادر است گامهای اساسی در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی بردارد. یک حکومت انقلابی - دمکراتیک کلیه صنایع و مؤسسات متعلق به سرمایه داران بزرگ و انحصارات بینالمللی را مصادره و ملی خواهد کرد. کلیه قراردادهای اسارت سارا امپریالیستی را ملنی خواهد نمود، مطالبات نوری کارگران از جمله حق ۴۰ ساعت کار و روز تعطیل بی دربی در هفتاد و یک ماهه مرحی سالانه را متحقق خواهد ساخت. کنترل کارگری بر تولید و کنترل توده‌ای بر توزیع را عملی خواهد نمود، کلیه راضی و املاک زمینداران بزرگ را بنبغ دهقانان مصادره خواهد کرد، کلیه بدهی‌های دهقانان به دولت، بانکها، مؤسسات مالی، ملاکین و ربا خواران را ملنی خواهد نمود و اقدامات جدی در جهت رفاه عمومی زحمتکشان، معسول خواهد داشت.

بنا بر این توده‌های مردم ایران باید تجارب گذشته خود را بکار بندند. تنها سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت انقلابی - دمکراتیک میتواند صلح دمکراتیک و تحقق درخواستهای انقلابی - دمکراتیک مردم را عملی سازد.
کارگران! دهقانان! سربازان! روشنفکران انقلابی!

برای پایان بخشیدن به جنگ و دست یابی بیک صلح دمکراتیک، برای پایان بخشیدن به تمام مصائبی که رژیم جمهوری اسلامی ببار آورده است، یک راه در برابر شما قرار گرفته است، قیام مسلحانه.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
زنده باد سوسیالیسم
سازمان چریکهای فدائوسی خلق ایران
شهریور ماه یکم هزار و سیصد و شصت و پنج

طبقه کارگرو مسئله ملی!

جانبا امثال حزب دمکرات - که هم وقت خود را نمابنده خلق کرد معرفی کرده است - یعنی شعار " خودمختاری " می باشد. (ر - ک) که در ظاهر خود را کمونیست میخواند، اما در واقع امر همچون یک ناظر بی طرف ایفای نقش می کند، آسمان و زمین را بهم میافند تا خواست خلق کرد را در حد همان " خودمختاری " حزب دمکرات جلوه دهد، چرا که این خواست، خواستی " ممکن " بنظر می آید! ، اما بی طرفی او چندان دوام نمی آورد، پراستیک اجتماعی و مبارزه طبقاتی این جریان متزلزل را او میدارد تا جایگاه واقعی خود را روشن کند. در کارزار این مبارزه طبقاتی، خمینی به مشابه هیولای خوف انگیز جلوه گر میشود و بر پیکر (ر - ک) گرد ترس و وحشت میپاشد. هراس بالفعل و دائمی از ولایت فقیه، (ر - ک) را به محترم شمردن حقوق و قوانین بورژوازی میکشاند و در نهایت او را به تبعیت از سرمایه سوق میدهد. چنین است که نه تنها شعار " حق ملل در تعیین سرنوشت خویش " را معادل همان شعار " خودمختاری " حزب دمکرات میخوانند، بلکه تلویحاً به دفاع از طرح خودمختاری شورای ملی مقاومت بر میخیزد تا همزمان با خاک پاشیدن بر چشم توده های خلق کرد، این طرح را خواست زحمتکشان کرد قلمداد کنند!

ما طی مقاله سعی میکنیم ابتدا به بررسی مشخص و تاریخی مسئله ملی پرداخته و با ارائه درکی مارکسیستی لنینیستی از این مسئله راه حل صحیح آنرا نیز نشان دهیم و موضع طبقه کارگر را در این زمینه بازگو نمائیم و سپس در شماره های بعدی نشریه، به مقاله سراپا افشاگر چهره (ر - ک) بپردازیم.

کمونیست ها بهنگام تجزیه و تحلیل هر مسئله اجتماعی، بدو اچارچوب تاریخی معین حوزه شمول آن مسئله را در نظر میگیرند و چنانچه بررسی یک پدیده اجتماعی در مورد یک کشور مشخص مورد نظر است، خصوصیات مشخص و دوره معینی تاریخی این کشور که آن را از سایر مناطق متمایز میسازد مدنظر قرار میدهند. اگر مسئله ملی، همان مسئله اجتماعی

مشخصی باشد که بخواهیم آن را تجزیه و تحلیل کنیم، بی چون و چرا میبایستی دوره های مشخص تاریخی را که از نقطه نظر مسئله ملی از هم متمایزند، روشن سازیم از نقطه نظر جنبش های ملی دو دوره سرمایه داری که بطور اساسی از یکدیگر متمایزند وجود دارد. دوره نخست دوره ورثستگی و فروپاشی فئودالیسم و حکومت های مطلقه است که در عین حال همزمان است با آغاز رشد و شکوفایی سرمایه داری و شکل گیری انقلابات بورژوازمکراتیک. از مشخصه های این دوره، توسعه بازارها و جایگزینی ناگزیر مناسبات تولیدگدانه بجای شیوه تولید و مناسبات کهنه شده فئودالی است، دورانی که بازارهای داخلی توسط بورژوازی تسخیر میگردند و دولت های سرمایه داری ایجاد میشود. در این دوره، جنبش های ملی توده ای جهت مبارزه در راه آزادی سیاسی و حقوق ملی پدیدار میشوند تا نیازهای بورژوازی در حال رشد مبتنی بر گسترش هرچه بیشتر مناسبات تولیدگدانه و شکل گیری بازارهای ملی را برآورده سازند. دولت مستقل ملی مناسب ترین شکلی است که با جمع اهالی که دارای زبان و فرهنگ و اقتصاد دوسرزمین مشترکند و تحت عنوان ملت خوانده میشوند، زمینه توسعه مبادلات بازرگانی را فراهم میکند و بستری است مناسب برای تامین نیازهای سرمایه داری که روبه گسترش دارد.

" در تمام جهان دوران بیروزی نهائی سرمایه داری بر فئودالیسم بنا جنبش های ملی توأم بوده است پایه های اقتصادی این جنبش ها را این موضوع تشکیل میدهد که برای پیروزی کامل تولیدگدانه بازاری داخلی باید بدست بورژوازی تسخیر گردد و بایا ایجاد دولتی سرزمین هائی که اهالی آنها به زبان واحدی تکلم می نمایند عملی گردد." (لنین - حق ملل در تعیین سرنوشت خویش) بیداری توده ها از خودگی فئودالی و مبارزه آنها علیه ستم ملی، و خواست برابری ملل امری است مترقی و کمونیستها موظفند از جنبه های مترقی این مسئله به دفاع برخیزند و از باثبات ترین و پیگیرترین عناصر دمکراتیسم در جنبش ملی حمایت کنند. لنین در این مورد میگوید:

" فقط یک راه حل برای مشکل ملی وجود دارد (تا آنجا که بطور کلی این

مسئله دردنیای سرمایه داری، دنیای سوده فشا رواستشما ر قابل حل است) و آن راه حل دمکراسی پیگیر میباشد. " رفیق استالین نیز با در نظر گرفتن شرایط مشخص و تاریخی روسیه و هنگامیکه انقلاب بورژوازمکراتیک در دستور بود حل مسئله ملی را در چارچوب سرمایه داری چنین تصویر میکند.

" در دوران قبل از نخستین جنگ جهانی، هنگامیکه تاریخ انقلاب بورژوازمکراتیک را در روسیه به مثابه مسئله روزبه میان کشیده بود، مارکسیست های روس حل مسئله ملی را با سرنوشت انقلاب دمکراتیک در روسیه وابسته مینمودند. حزب ما بر آن بود که سرنگون ساختن تزارسم و از بین بردن بقایای فئودالیسم و دمکراسی نمودن کامل کشور در چارچوب سرمایه داری است. (مارکسیسم و مسئله ملی - تاکیدازما)

کرایش دیگری که قانون سرمایه داری نیز محسوب میشود، تکامل دمافزن مناسبات بین المللی و فروریختن سدهای ملی و ایجاد وحدت بین المللی سرمایه است. دوره ای که بدنبال دوره پیشین میاید، در واقع مبین آنست که سرمایه داری تکامل یافته و به حد بلوغ رسیده است و لاجرم به سمت تغییر شکل خود به جا میسرود. سوسیالیستی حرکت میکند. در این دوره پیروست تشکیل دولت های سرمایه داری کامل شده است. صفت مشخصه این دوره که کاملاً ز دوره پیشین متمایز است، حضور پرولتاریا بعنوان یک طبقه اجتماعی قدرتمند در عرصه بین المللی وحدت تضادهای آشتی ناپذیر و با بورژوازی است، که برای تعیین تکلیف نهائی در مقابل اوصاف آراشی کرده است. ملل مختلف تحت تاثیر تکامل سرمایه، بیش از پیش بهم نزدیک شده و با جهانی شدن سرمایه، تضادهای آنتاگونیستی میان سرمایه بین المللی و جنبش جهانی کارگری از درجه اهمیت بسیار بالایی برخوردار شده است.

کمونیست ها با توجه به دوگرایش مذکور، ضمن یشتیبانی بی قید و شرط از برابری ملل و زبان ها و غیره، هرگونه امتیازی را در این زمینه غیرمجاز میدانند و یک لحظه از مبارزه مداوم و سازشناپذیر علیه آلودگی پرولتاریا به ناسیونالیسم بورژوازی و حمایت از

طبقه کارگرو مسئله ملی!

انترناسیونالیسم دست برنمی‌دارند...
حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، همان
شعار لنینی و مشخصی است که کمونیست‌ها
در این مرحله می‌بایستی در بخش مربوط
به مسئله ملی برنامه خود آنرا تبلیغ
و ترویج نمایند.

پیدایش انحصارات امپریالیستی
که شمره توسعه و رشد اجتناب‌ناپذیر
سرمایه‌داری است و تسلط امپریالیسم
بر جهان، نه تنها به ستم ملی پایان
نداده است، بلکه به میزان زیسادی
آن را تشدید نیز نموده است، چرا که
امپریالیسم به لحاظ سیاسی عبارتیست
از بسط ارتجاع و نفی آزادی و دموکراسی،
و عملکرد آن در جهت نفی استقلال ملت‌ها
است.

چنین است که برای مارکسیست
لنینیست‌ها، مسئله ملی و وظائف جنبش
ملی، مثل هر پدیده اجتماعی دیگر در
دوره‌های مختلف تکامل جامعه و انقلاب
تغییر میکند. مسئله ملی و حل آن در هر
کشور با پدیده انقلاب و تکامل آن در آن
کشور مورد بررسی قرار گیرد، چرا که اساساً
مسئله ملی جزء لاینفکی از کل مسئله
انقلاب است و حل آن منوط به حل مسئله
انقلاب با توجه به مرحله تاریخی و تکامل
جامعه است.

اگر بهترین راه حل ممکنه مسئله
ملی در چارچوب سرمایه‌داری (تا آنجا که
این مسئله در این چارچوب قابل حل است)
یعنی زمانی که هنوز بورژوازی در مراحل
اولیه رشد و توسعه است و به فتوایلیسم
اعلان جنگ میدهد و انقلابات بسوزن -
دموکراتیک در دستورات، سرنگونی
حکومت‌های مطلقه و ازمیان برداشتن
بقایای نظام ارباب رعیتی و دموکراسی
نمودن کل کشور است، اما در دوران بعدی
یعنی زمانی که طبقه کارگر یگانه مدافع
برابری واقعی ملل و دشمن آشتی‌ناپذیر
سرمایه که عامل همه و هر گونه
نا برابری و ستمگری و از جمله ستمگری ملی
است در عرصه بین‌المللی صفوف خود را
شده ساخته و بالاخره زمانی که

انقلابات سوسیالیستی و یا انقلابات
دموکراتیک توده‌ای (در کشورهای تحت
سلطه) به مسئله روز تبدیل گشته است،
مسئله ملی بی‌هیچ تردیدی با سرنوشت این
انقلاب گره می‌خورد و حل قطعی آن و حقیق
ملل در تعیین سرنوشت خویش که از هم
اکنون به رسمیت شناخته شده است تحت
شرایط پیروزی انقلاب به رهبری طبقه
کارگر و برقراری سوسیالیسم تا مین می‌شود.
اگر در گذشته و در حین تحولات بسوزن -
دموکراتیک، جنبش‌های ملی، تکامل
سرمایه‌داری را وظیفه دار بودند، و
بورژوازی همراه مردم زحمتکش از جمله
در راه آزادی سیاسی، برابری حقوق ملی
و خواست دموکراتیک توده‌ها ایفای نقش
میکرد، امروز که سرمایه‌داری به عالی
ترین مرحله تکامل خود رسیده و مدت‌ها
است که آغاز به گندیدگی نموده است،
دیگر نه تنها بورژوازی در جای قبلی خود
نیت بلکه بطور کامل در مقابل آن
ایستاده است، چرا که امروز هیبت و عظمت
پرولتاریا و حضور او در سطح وسیع و گسترده
بر دل بورژوازی حراس افکنده است.

"هنگامیکه بورژوازی متفقاً با
مردم و زحمتکشان، بغض آزادی مبارزه
میکرد، از استقلال کامل و حقوق مساوی
برای ملت‌ها نیز پشتیبانی مینمود...
ولی امروز بورژوازی از کارگران ملی
ترسو و در پی اتحاد با پورشوکیچ‌ها و
مرجعان می‌باشد. بورژوازی بس
دموکراسی خیانت می‌ورزد، از ستمگری
و حقوق نابرابر در میان ملل دفاع کرده
و کارگران را با شعارهای ناسیونالیستی
به فساد میکشاند." (لنین - طبقه کارگر و
مسئله ملی)

در عصر حاضر تنها پرولتاریاست که
از آزادی و برابری واقعی ملل و وحدت
کارگران تمام ملل پشتیبانی میکند.
فقط طبقه کارگر است که در یک انقلاب
پیروز مند و با کسب قدرت سیاسی و برقراری
نظام سوسیالیستی قادر است مسئله ملی
را بطور قطعی حل کند، حل مسئله ملی در
یک کشوری آنکه پیروزی انقلاب
در آن کشور میسر شود، امری است ذهنی و
کسانی که به چنین توهمات می‌دانند
میرنند، کوردلان و کوته‌فکرانی بی‌بسی
نیستند که در واقع، امری را مقدم بر
امر پرولتاریا قرار میدهند و به ترویج

ایده‌های بورژوا ناسیونالیستی مشغولند.
بر پایه چنین تحلیلی است که
کمونیست‌ها با توجه به شرایط مشخص و
تاریخی کشور خود میبایستی به امر ملی و
مسائل مربوط به آن پاسخ روشن و
مشخص ارائه دهند. مادربالا بس دو
دوره کاملاً متمایز از یکدیگر از نقطه نظر
مسئله ملی اشته کردیم، اکنون
میبایستی اضافه کنیم که این دوره‌های
یافته شده، بصورت خطی از یکدیگر جدا
نمی‌شوند و یواری آن دورا از هم مجزا
نمی‌کند، بلکه توسط حلقه‌های متصل
انتقالی بهم دیگر مرتبط میشوند. از
طرف دیگر کشورهای مختلف از لحاظ سرعت
تکامل ملی و نیروهای مولده یکسان
نیستند. از این رو کلیه این شرایط
عمومی تاریخی در یک کشور متمایز
میبایستی مورد توجه مارکسیست‌ها قرار
بگیرد، در غیر این صورت بخش ملی برنامه
کمونیست‌ها با واقعیات عینی تاریخی
کشور همخوانی نخواهد داشت.

حال بینیم دوره بندی تاریخی
مشخص در مورد ایران چگونه است. کشور ما
زمانی که سرمایه‌داری جهانی رونق
تکاملی خود را طی کرده و به امپریالیسم
بدل گشته بود، یعنی در آستانه قرن
بیستم (۱۸۸۱) وارد مدار بازاری جهانی
سرمایه گردید. صدور سرمایه مالیسی و
سلطه جا برانه استعماری امپریالیسم
پروم انباشت سرمایه را در ایران کند
نمود و به عقب افتادگی کشور دامن زد.
انقلاب بورژوا دموکراتیک مشروطه، قادر
نگشت موانعی را که موانع تحول اقتصادی
فتوادی بر سر راه تحول اقتصادی
اجتماعی پدید آورده بود از سر راه بردارد و
به نظامات قرون وسطایی پایان بخشد.
تسلط استعماری امپریالیسم میرتکامل
"آزاد" سرمایه‌داری را در ایران سد نموده
آخرین تلاش‌های جیونانه نمایندگان
بورژوازی ملی در او خرده بیست جهت
بر انداختن سلطه امپریالیسم و گشودن
راه تکامل "آزاد" سرمایه‌داری در
ایران نیز به شکست انجامید و رسالت
بورژوازی ملی، در تحولات دموکراتیک
ایران برای همیشه ازمیان رفت.

تحولات آغاز دهه چهل که با انجام
رفرم ارضی و مدور گسترده سرمایه‌های

طبقه کارگرو . . .

امپریالیستی آغا زگردید، شیوه تولید سرمایه داری را که وجه مشخصه اصلی آن تولید کالائی مبتنی بر روابط تولید سرمایه داری است بر ایران مسلط کرد. پیرویه تسلط این شیوه تولید، بر مبنای رشد در بچی و طولانی مناسبات تولید کالائی و نیا سرمایه های امپریالیستی صورت گرفت و آنرا به اقصی نقاط کشور گسترش داد.

رشته تحولات تدریجی ایسن دوره مانع ابقای مناسبات کهنه نگشت. طی طریق "راه پروسی" تحول ارضی در ایران تحولی بسا رکند که با دردناک تریسن عوارض برای پرولتاریا و دهقانان همراه بوده است، اصلاحات از بالا و راه حلی آرام و مسالمت آمیز و منطبق بر خواست امپریالیسم موجب بقا و تداوم مناسبات ماقبل سرمایه داری در ایران گردید. پیرویه گسترش سرمایه داری از بالا یعنی جایگزینی سرمایه داری با نظامات قبلی آن به دلخواه و توسط طبقات حاکم انجام شد. این شیوه تحول ارضی و جایگزینی نظام ها که در سطح بسا روسیعی به حیسات بقایای نظامات کهن دوام بخشید، موجب آن گشت تا بسیاری از خواست ها و وظائف دمکراتیک، از جمله مسئله ملی همچنان با برجا بمانند. با تشبیت بورژوازی در ایران نتوان یک طبقه، نه تنها مسئله ملی حل نشد، بلکه نابرابری های اجتماعی و از جمله ستمگری شدت یافت و با سلطه امپریالیسم مفاغ گردید.

کشور ایران یک کشور چند ملیتی است که عموم آنان از جانب بورژوازی ملت فارین در قالب حکومت های مرکزی تحت ستم قرار داشته اند. با سلطه استعمار و امپریالیسم کلیه ملل ایران از جانب امپریالیسم نیز تحت ستم قرار گرفتند. وجود جنبشهای ملی با خلصت عمیقاً توده ای در ایران، خود گوپای این واقعیت و انعکاس ستمی است که طی سالیان در زیر آنان اعمال گشته است. جنبش های ملی در کردستان و آذربایجان که در سطح کبترده ای جریان داشت، تا آنجا که حتی در سال ۱۳۲۴ منجر به شکل گیری حکومت های خودمختار در این دو منطقه گردید هر چند که از جانب حکومت مرکزی سرکوب گردید، اما

کارگرو زحمتکشان ملل تحت ستم در آنست که بطور آزادانه و داوطلبانه مشترکاً یک دولت مقتدر تشکیل دهند، مدنظر داشته باشند و خودمختاری وسیع منطقه ای را برای کلیه این ملل به رسمیت بشناسد. القاء هرگونه امتیاز قومی، فرهنگی و نژادی، القاء زبان رسمی اجباری و حق اهالی به آموزش زبان مادری از دیگر نکاتسی است که پرولتاریای ایران در بخش ملی برنامه خود می بایستی قید نماید.

چنین است فشرده سیاست طبقه کارگردر قبال مسئله ملی.

چنین است روش پرولتاریای انقلابی برای خاتمه بخشیدن به ستمگری و نابرابری ملی و اساساً حل مسئله ملی!

(ادامه دارد)

بیان عهد

فرهنگ و سیاست رها شیخش آینه توده های محروم است. برای صمد بدون شناخت آگاهانه زمینه های اجتماعی زندگی زحمتکشان و قوف به یک چنین امری محال بود، از همین رو او که از اوان زندگی با رنج و فقر و محرومیت دست به گریبان بوده در زندگی واقعی نا بسامانی ها و نیازهای زیستی و روانی زحمتکشان را دریافت و با تبحری شگفت انگیز آرمانهای انقلابیش را با اتکاء به مفاهیمی ستیزنده و لسی در قالب کلامهای بی پیرایه و ساده به جامعه انتقال داد و در بین توده ها اشاعه نمود.

صمد که نیروی کار و تلش های خستگی نا پذیرش را از متن زندگی واقعی بر میگرفت بر این باور نیز بود که بسرای دگرگونی و تحولات اجتماعی میبایست انگیزه های عنصری بیشتا زدورانی واقعیت زندگی در هم آمیزد و در متن آنجا مع پیوند خورد. از این رو او با وجودی مالامال از جوهره جارت و از خودگذشتگی ابرهای موهوم و تخدیرکننده فرهنگ مبتذل و وارداتی حاکم را از هم درید و با نقشه فعال و بی شائبه و نگرشی ژرف بسره بنیانهای جامعه و خندهای آن تمامی اش را در زندگی کوتاه ولی پربارش بکار بست تا احساسات و کینه طبقاتی را در در صفحه ۱۴

از آنجا که خواست های دمکراتیک ایسن جنبش ها متحقق نشد، همچنان با شدت و ضفادامه بافته است. بسط مناسبات سرمایه داری در نظام سلطنتی و تسلط کامل و همه جانبه امپریالیسم نه تنها مسئله ملی را حل نکرد، بلکه با هرگونه آزادی های سیاسی و خواست دمکراتیک دشمنی و ورزید و آن را با پیمان نمود. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نیز با حفظ و تحکیم مناسبات استعماری و تکمیل و اتکاء به دستگاه بوروکراتیک نظامی، نه تنها به خواست و حقوق ملت های تحت ستم توجیهی ننمود، بلکه از همان اوائل روی کار آمدن خود، و بنا به ماهیت فسوق ارتجاعی اش، به عنان گسیخته تریسن شکلی به سرکوب خلقها و ملل تحت ستم پرداخت و خود را ملی مسم در تشدید ستمگری ملی بود. خواست ملی اما علی رغم سرکوبهای خشن و تشدید ستمگری ملی، در مبارزات خلقها، بی آنکه تحقق یابد ادامه یافت و با ردیکر روشن شد که جنبش ملی و حل مسئله ملی، بدون پیوند بسا جنبش سراسری و انقلاب ایران قابل حل نیست. جنبش های ملی در منطقه و کشورها مختلف و از جمله جنبش خلق کرد در ایران همانطور که تجربه سالیان طولانی مبارزه آنها نشان داده است بدون پیوند بسا انقلاب هر کشور حل نخواهد شد. برایسن اساس حل مسئله ملی و القاء هرگونه ستمگری و نابرابری ملی، در گرو پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک توده ای، کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگردر برقراری سوسیالیسم است. کمونیست ها در دوره کنونی و در شرایط فعلی موظفند، ملت های تحت ستم ایران و بویژه خلق کرد را بسا درک این اصل خدشه نا پذیر، رهنمون سازند که مبارزات آنان تنها در پیوند بسا طبقه کارگردیگر زحمتکشان سراسر ایران به پیروزی میرسد و با ید در جهت استحکام این پیوند مبارزاتی بیش از پیش تلاش نمایند.

کمونیست ها همچنین در شرایط کنونی با شرکت فعال در امر مبارزه ملی و سازماندهی مبارزات توده ای، ضمن تبلیغ و ترویج ایده های پرولتری فوق، حق ملل در تعیین سرنوشت خویش تا سرحد جدائی و تشکیل دولت مستقل بسرای کلیه ملل ساکن ایران راه رسمیت می شناسد. کمونیست ها توصیه جدائی ملل نمیکند، یک برنامه کمونیستی می بایستی این نکته را که منافع طبقه

عملیات کربلا

و . . .

تضییقات و اعمال فشارهای بسیار برای به تمکین و داشتن توده‌ها در برابر سیاستهای جنگی رژیم در شهرها و روستاها تلاش می‌ورزند.

در چند سال گذشته اما مقاومت و اعتراضات پی در پی توده‌های خلق کسرد علیه سرپازگیری و بسیج جنگی رژیم را در کردستان بیش از سایر نقاط ایران با مشکل مواجه گردانیده است.

از همین روستا که امام جمعه جناب پتکار سنج در نماز جمعه هفته دوم شهریور ماه، در مقابل اعتراضات توده‌های مردم کردستان و خودداری گسترده آنان از رفتن به جبهه‌ها برای جبهه‌سازان ناگامیهای رژیم به اهمیت بسیج نیرو از کردستان اشاره نمود و گفت: "هر کاروانی که از منطقه کردستان بسوی جبهه‌های جنگ تحمیلی گسیل خواهد شد ارزش معنوی آن ۱۰ برابر ارزش کاروانی است که از دیگر نقاط میهن اسلامی به میدان نبرد ارسال میگردد."

در این رابطه باز هم فراخوانهای پی در پی از سوی ارگانهای سرکوبگر منجمله سپاه پاسداران منطقه کردستان انتشار یافت. باز هم بر تعداد گروههای گشت در شهرها برای دستگیری مشمولین افزوده شد. میدین، اماکن عمومی و گذرگاهها به کنترل درآمد، در فواصل شهرها با زرسی و کنترل شدیدتری انجام گرفت و بالاخره یورش به روستاها همچنان ادامه یافت و باز هم شکل گیری مقاومت، اعتراض و مقابله با سیاست اعزام اجباری گوشه‌ای از رویا روش آشکار توده‌ها با رژیم رابه نمایش گذارد.

در شهریور ماه شهرها و روستاهای مناطق مریوان، سنندج، سردشت، و بانسه تا هدیگ سری اعتراضات توده‌ای علیه سرپازگیری اجباری بود. در این حرکات، توده‌های انقلابی در اشکال مختلف به مقابله با رژیم برخاستند و در مقابل تهدیدات، یورش و محاصره روستاها، دستگیری جوانان... با هوشیاری انقلابی راه را بر یورش نیروی مزدوران سد نمودند. اگر رژیم به تهدید والدین مشمولین برای معرفی آنان توسل جست، توده‌ها با این وجود به خواست مزدوران تن نداده و

با اعتراض خود آنان رابه عقب نشینی واداشتند. اگر مزدوران با کنترل سازمان یافته در شهرها به دستگیری جوانان پرداختند، توده‌ها با یاری رساندن به متولین، فرار آنان را از چنگ مزدوران تسهیل نمودند، اگر روستاها مورد یورش و محاصره قرار گرفت، جوانان با سرعت از روستاها خارج شده و حربه‌های نیروهای سرکوبگر را نقش بر آب کردند. و در برخی موارد در صورتی که تعدادی دستگیر گردیدند اهالی روستاها مستقیماً برای آزادی آنان اقدام نموده و حتی با سنگ و چوب مزدوران رابه عقب نشینی واداشته و جوانان را آزاد نمودند.

در همین رابطه، اهالی روستای "هاله‌دهره" پس از دستگیری جوانان با حرکت دسته‌جمعی ۱۲ نفر از دستگیرشدگان را از بایگاه مزدوران آزاد نمودند و اهالی روستای "ساوان" برای دستگیری ۱۵ نفر از جوانان متحداً با سنگ و چوب مزدوران را مورد تعرض قرار داده و علی‌رغم تیراندازی آنان با ادامه اعتراض موفق گردیدند ۱۵ نفر را آزاد نمایند. در مواردی نیز دستگیرشدگان با اعتراض خانواده‌هایشان در شهر آزاد گردیدند. چنین بود برخی از اقدامات رژیم جهت تشدید سیاست سرپازگیری و مقابله با توده‌ها با آن.

هم اینک نتایج مصیبت‌بار جنگ بمنابۀ یک معضل اجتماعی، سایر مشکلات و معضلات زندگی توده‌های مردم ایران را به امری ثانوی تبدیل نموده است. نفرت از جنگ و رژیم جمهوری اسلامی نیز به یکی از مشخصه‌های دوران انقلابی کنونی تبدیل گردیده است. هنگامیکه رژیم با فشار و سرکوب کلیه امکانات مادی و معنوی جامعه را در خدمت پیشبرد جنگ در معرض خطرناک بودی قرار میدهد و ارگانهای نظامی و انتظامی از سپاه و شهربانی و ژاندارمری برای دستگیری مشمولین، بسیج گشته و مدافع برای مشمولین دام میگیرند، هنگامیکه ارگانهای سرکوب رژیم با عطف به فرامین خمینی کسبه پرکردن جبهه‌ها را "برای همداقشار از واجبات" میداند، مشمولین غایب را "مجرم" شناخته و در اطلاعیه‌های پی در پی آنان را که شمارشان به صدها هزارتن می‌رسد تهدید به مجازات مینماید، هنگامیکه رژیم، شرط کارورسگی را برای کارگران و معلمان و کارمندان و ورود واد و طلبین در دانشگاهها را شرکت در جبهه‌های جنگ

ارتجاعی قرار میدهد، مقاومت در برابر اعزام اجباری به جبهه‌ها نه تنها با زهم در اشکال گوناگون ادامه یافته بلکه فرار سرپازان از جبهه‌ها و پادگانها نیز به امری متداول تبدیل گردیده است. در این رابطه نیز در هفته‌های اخیر دهها تن از سرپازان از مراکز نظامی رژیم منجمله پایگاه "دگاگا" در کردستان، پادگان نیروی هوایی بندر عباس و تیب ۵۵ هوا برده پیشمرگان انقلابی خلق کسرد پیوستند.

سرپازان این فرزندان کارگران و زحمتکشان ایران در یافته‌اند که خونشان فقط در خدمت مظالم جنگ طلبانه سرمایه‌داران ریخته خواهد شد و سلاحهایشان جز شکافتن سینه کارگران و زحمتکشان کشور مقابل در جبهه‌ها آماج دیگسری نخواهد یافت. آنان در یافته‌اند شکست و پیروزی "لشکریان اسلام" و "زاهیان کربلا" در جبهه‌ها حاصلی جز فقر و سکنت و تنهایی و کشتار برای توده‌های مردم سراسر ایران ببار نخواهد آورد.

همین که مشمولین و سرپازان به بهای از دست دادن شغل و شرایط زندگی عادی، بر دبری و محدودیت‌های حقوقی حاضر به شرکت در جبهه‌ها نمیباشند خود گویا ترین دلیل این واقعیت است که جنگ ارتجاعی برای توده‌ها یک پدیده منزجرکننده است و آنان بیش از پیش به ماهیت خیانتکارانه آن آگاه گشته‌اند. در شرایط کنونی که ارگانهای ستار جمهوری اسلامی هم آوایان نغمه‌های تبیکارانه جنگ از سوی مرتجعین و سرمایه‌داران، در فضای میلیتاریستی حاکم، شدیداً به تلاشهای ضد انسانی خود ادامه میدهند و به کنترل و اعمال سطره نظامی در کلیه شئون زندگی احادجامعه مشغولند، اگر تما یلات قدر رژیم و جنگ ارتجاعی، در بین سرپازان و مقاومت در برابر اعزام اجباری پراکنده و انفرادی بروز مینماید، لیکن بنا بر ابعاد همه‌گیر این مسئله همچنین مبارزه علیه اعزام اجباری به جبهه‌ها عرصه وسیعتری بساز خواهد یافت و بارش جنبش توده‌ای عمومی اقشاری از سرپازان انقلابی این بار در جبهه انقلاب برای پایان بخشیدن به کشتار و ویرانی و فقر و فلاکت سلاحهایشان را در سوی سرمایه‌داران و مرتجعین، به سوی جمهوری اسلامی شانه خواهند گرفت.

جنگ

و

گسست در هیئت حاکمه

روستا و بویژه روستاهای نوار مرزی را وادار به کوچ اجباری نموده است تا اعمال کنترل پلیسی خود را بر آنان تسهیل بخشد. سیاست کوچ اجباری هر چند که همواره جزو سیاستهای دوررژیم سرمایه داری سلطنتی و جمهوری اسلامی بوده است، اما امروز در مقطع کنونی و مشخصاً در روستاهای نواحی مرزی تشدید گشته است. درهمین رابطه تأثیرات جانشینی و محدود کننده تشدید حمله و تعرضات رژیم جمهوری اسلامی بر جنبش انقلابی خلق کرد و فعالیت گروههای سیاسی ایرانی اگرچه موقتی و در حد بسیار جزئی بوده است، اما واقعیتی است که به تبع استراتژی جنگی رژیم، محاسبات و اتخاذ روشهای او در منطقه حاصل گشته است. در کلیت اما تماماً می‌شاهد عینی‌طی این مهاجرات و پناهنده‌ها بر آن بوده است که رژیم در دستیابی به اهداف ارتجاعی خود نا موفق بوده است. اما این فضا تحت رژیم مانع از آن نیست که خامنه‌ای رئیس‌جمهور ارتجاع با وقاحت خاص خود، آنرا پیروزی خواند.

خامنه‌ای، همان‌گونه که با توجه به این‌که نزدیک به هشتصد هزار نفر از مسئولین از رفتن به سر بازی خودداری کرده‌اند! - ادعا میکند که اعزام شدگان به جبهه‌ها در سال ۶۵ پنج برابر سال ۶۴ بوده است! به همان شکل نیز در نماز جمعه روز بیست و یکم شهریور ماه، هیچ مانعی در مقابل خود نمی‌بیند که رژیم جمهوری اسلامی را تشبیه شده اعلام نکند و زمینه‌های پذیرش انقلاب اسلامی را در جهان فراهم شده خواند! او همچنین بی‌هیچ‌گونه شرم و حیائی به وارونه جلوه دادن چهره رژیم در عرصه جهانی می‌پردازد، و رسوائی رژیم را در "کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد" موقفیت می‌خواند! خامنه‌ای در واقع خواست‌های نامین شده‌ای را که رژیم سرروری آن حساب باز کرده بود، بر زبان می‌راند، و در خطبه نماز جمعه از جمله می‌گوید:

"در اجلاس غیر متعهدها یکی از موقفیت‌های ما نشان دادن چهره بین المللی جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام مستقر پارتی‌تشیب شده و رنده و پیرنات بود." او همچنین می‌گوید:

ساخت کربلای ۲ و ۳ و حمله به جزایر مجنون و غیره به لحاظ نظامی هیچ دستاوردی جز هزاران کشته وزخمی برای رژیم نداشت جز آنکه تخریب و کشتار را دامین زد و دور جدیدی از سبباران شهرها را به همراه آورد. بمباران شهرهای ایران و عراق، پیرانشهر، تبریز، سردشت، مناطقی از لرستان، رباط، اسلام آباد، کرند، تاسیسات نفتی خارک، بصره، کربوک، و دیگر مراکز صنعتی و موشک باران بغداد و غیره که طی آن تعداد زیادی از مردم دو کشور قربانی جنگ ارتجاعی شدند، شمره این دوره تعرضات رژیم و تملیقات توسعه طلبانه او بوده است.

با زتاب این تهاجمات گسترده در عرصه داخلی اگرچه از روشی جو سرکوب و خفقان و فشارهای نامحدود برای توده‌ها بوده است اما از سوی دیگر آشوب شده‌ها را فشرده‌تر و متراکم‌تر ساخته و زمینه برآمدن مخیزش‌های توده‌ای و تحولات قریب الوقوع را بیش از پیش تشدید کرده است. در عرصه خارجی نیز سیاستهای جنگ افروزان رژیم موجب انفراد و بی‌زوله شدن هر چه بیشتر او گشته است. طرح برقراری صلح و پایان جنگ ایران و عراق در کنفرانس سران "غیر متعهدها" و صدور بیانیه‌ای درهمین رابطه در پایان کار این کنفرانس و اظهارات برخی از شخصیت‌های معروف این جنبش در زمینه پایان جنگ، تلاشهای دیپلماتیک رژیم را نیز که قبلاً از برگزاری کنفرانس بکار برده بود به شکست کشانند. با فشاری رژیم بر ادامه جنگ موجب آن شده که اکثر کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس ایران را محکوم نمایند. این محکومیت در سطح جهانی وسیعاً انعکاس یافت و به انزوای بیش از پیش رژیم انجامید.

انعکاس جنگ ارتجاعی، در کردستان همواره تشدید فشار و سرکوب توده‌ها بوده است. گسترش جو خفقان و سرکوب بر زندگی زحمتکشان. خلق کرد و مواج سر باز گیری‌های اجباری و اعزام جوانان به جبهه‌ها هر چند که با اعتراض و مقاومت اهالی همراه بوده است از جمله تأثیرات این جنگ و تشدید آن می‌باشد. گسترش جنگ و تشدید حملات ایران و عراق در شمال کردستان، علاوه بر تشدید فشارها و تضیقات همیشگی خود اجبار اهالی روستاها و شهرک‌های نواحی مرزی به کوچ را نیز بدین سال داشته است. همزمان با این حملات، رژیم با استفاده از موقفیت و به بهانه جنگ دهها

"وقتی که خبر موقفیت‌های رزمندگان کربلای ۲ و کربلای ۳ رسید آنجا یک زمزمه‌ای در بین این جمع بوجود آورد و بیک وقار و ابهت خاصی به هیئت ما داد که کاملاً مشهود و محسوس بود و بخاطر همین است که این حرکت‌ها بی‌عظیم مردم نشاندهنده تشبیه نظام ما است"

اما تلاشهای جناب رئیس‌جمهور، که فقر و تبااهی وسیع روزی توده‌ها، همان "نشاط" و شادابی او و امثال او است، بی‌هوذاست. او دیگر قادر نیست آرزوهای دست نیافتنی خود و رژیمش را در لاب لابی دروغ باقیها و ریاکاریهای خود به توده‌ها بقبولاند. "نظام مستقر و پارتی‌تشیب نظام" همان آرزوی محال سران رژیم است که امروز و زمانی که رژیم بیش از هر وقت دیگری متزلزل و بی‌ثبات است خامنه‌ای آن را بر زبان می‌راند. بی‌ثباتی رژیم امروز بیش از هر زمان دیگری آشکار و عیان گشته است. جنگ اگر از سوی سران رژیم به منظور تحکیم و تشبیه جمهوری اسلامی دامین زده می‌شود، اما خود به عالی در تشدید بی‌ثباتی این تبدیل شده است.

اکنون که بحران اقتصادی-سیاسی پایه‌های رژیم را بیش از هر زمان دیگری ست و متزلزل کرده است و اعتلا جنبش گسترده و پرتوان توده‌ای به امری کاملاً محتمل تبدیل گشته است. شکافهای درون حاکمیت نیز عمیق تر گشته و دسته‌جسبات مختلف سرمایه‌داران بر سر این‌که چگونه باید جنبش کارگران و زحمتکشان را سرکوب نموده و انقلاب را خفه کنند با هم اختلاف نظر دارند، شیوه‌های متفاوت این دستجات برای حفظ نظام سرمایه‌داری و منحرف نمودن مبارزات توده‌ها، اختلاف و تضاد را ما بین آنها دامین می‌زند. تکرش به مسئله جنگ و ادامه آن نیز از همین زاویه صورت می‌گیرد. جنگ تا آنجا که بتوانند از انقلاب جلوگیری نماید و با تبعاً رتدرست تیر وقوع انقلاب را به تاخیر بینانند، به مثابه ابزاری دردست سرمایه‌داران بکار گرفته می‌شود، ابزاری که بتواند، تشبیه حکومت آنان را تا مین کند. اما تماماً می‌شاهد عینی موجود، بویژه شکاف درون حاکمیت و به جان هم افتادن ارگانها و جناحهای حکومتی که منجر به کاهش قدرت متمرکز حکومت اسلامی در رویارویی با کارگران و زحمتکشان گشته است گویای این واقعیت است که این

ابزار نیز در دست سرمایه داران دیگر حاصل آن نقش و کارآیی قبلی نیست. جنگ و تداوم آن با وجود آنکه هنوز کلیت بورژوازی بر آن تاکید میورزد، اما، بسی ثباتی رژیم را تشدید نموده و او را به ورطه سقوط نزدیکتر میکند. افراد و جریانی هستند که تزلزل، ضعف و بی ثباتی رژیم را رو به تازیدی ببینند و بر بستر بحران انقلابی کنونی تشبیه رژیم را ناممکن یافته اند، دانشا از حاکمیت کننده میشوند و با کنار آمدن گیری هر روزه، رژیم را ضعیف تر میکنند. این افراد و جریانی "دوران پسین" برای حفظ همان مناسبات استثمات و گرانه راه را در جانشی از حکومت، حکومتی که قادر نیست انقلاب را بطور قطعی سرکوب کند، دیده اند. اینان حتی تحت پوشش مخالفت با جنگ و یا طرفداری از "زادی" و غیره امروز از مرکز همان حکومتی که خود در ایجادش شریک بودند نمی گیرند.

از سوی دیگر تقابل دو جناح اصلی حاکمیت در سایه، تشدید و تعمیق بحران اقتصادی - سیاسی به گونه ای کم سابقه عریان شده است. نمایندگان بورژوازی تجاری و سرمایه عقب مانده که سنگ تجارت آزاد و فعالیت آزاد بخش خصوصی را به سینه میزنند، در روزنامه های خود به انتقاد و مقابله با برجسته ترین نماینده جناح دیگر برخاسته و او را مستقیماً مورد سؤال قرار میدهند.

"رسالت" ارگان جناح بورژوازی تجاری رفسنجانی، قدرتمندترین نماینده جناح مقابل را به باد انتقاد میگیرد، با تائید و حمایت از شورای نگهبان و اتکاء به دستورالعمل های فقهی نوشته های خمینی جناح مقابل را در فشار و تنگنا قرار میدهد. دعوت ها و نصایح خمینی که دیگر مدتهاست اثر بخشی خود را از دست داده است در مورد سکوت جناح ها و یا عدم کنارگیری افراد از حکومت بلا شرمیمانند. جناح بازار، در مقابل رفسنجانی و دولت، دولت است که خمینی با هدف خارج ساختن کل سیستم از زیر ضرب از آن حمایت کرده است - می ایستد. با داد و میجانی یکی از تجار عمده با تکیه بر اصول فقهی جناح مقابل را به مبارزه می طلبد و نظرات آنان را مغایر بقه خمینی و دیگر تقاضای شمارد. بازار، ستون انقلاب بدون توجه به شرایط حساس کنونی که خمینی تلاش زیادی میکند اس شرایط را در تفهیم کند، جناح مقابل را زیر ضربات خود میکشد. خمینی برای بحران کل نظام، دعوت به آسودگی

جنگ

9

کسست در هیئت حاکمه

تعدیل تخاصمات میکنند و تلاش زیادی بکار میبرد، تا خطرا، خطری را که متوجه همه آنهاست، به آنان گوشزد کند. از اینسرو با زهم سعی میکنند از شدت تضادهای بکاهد و توازن معقولی میان آنها ایجاد نماید! او میگوید:

"من به همه اشخاصی که قلم در دستشان هست، زبان گویا دارند می خواهم فشارش کنم که متوجه باشند. صحبت سردولت و با ریاست جمهوری و اینها نیست، صحبت سر نظام است، نظام اسلام است، آقای خاتمی ای با شنیدن رئیس جمهور و یا کسی دیگر

اسلامی و تشدید و تندرو به افول آن است. واقعیت این است که تشدید و تضاع و خامت بار کنونی، نارفایتی عمومی شده ها از جنگ، سرکوب، خفقان و غیره، که روزه روزها منته بیشتر می باید، چشم انداز شرایط و خیم تر و غیر قابل تحمل تر آتی که از هم اکنون زمینه مسادی انفجارات توده های را با رورتر کرده است، اختلافات و تضادهای درونی رژیم را به آن حد رسانده است که دیگر "سفرش" های خمینی و "توجهات" او کار ساز نیست. اگر روزی خمینی با ایما و اشاره میتواند است برای اختلافات جناح های موجود سرپوش گذاشته و یا آنرا بطور موقتی و ظاهری تعدیل نماید و از شدت تضادهای تا حدودی جلوگیری نماید، امروز تضادهای درونی

شش سال ادامه جنگ ارتجاعی دولت های ایران و عراق

تنها نتیجه اش کشتار هزاران تن از توده های زحمتکش ایران

و عراق، در بدری میلیون ها آواره جنگی فقر، گران، بیکاری

و دهها مصیبت دیگر بوده است.

برای پایان بخشیدن به این جنگ ارتجاعی و

دستیابی بیک صلح دمکراتیک، راه دیگری جز قیام مسلحانه

و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وجود ندارد، تنها قیام و انقلاب

میتواند به تمامی فجایعی که این رژیم سار آورده است پایان بخشد.

تنها راه تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی است.

مرکز بر جنگ ارتجاعی - مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی.

حاکمیت آنچنان جا گذشته است که سخنان آشکار خمینی در تعدیل این اختلافات و تخاصمات بی اثر میماند و از نقش و کارآیی خمینی در ایجاد توازن میان دو جناح اصلی شدت کاستد میشود. بی شک رهبری جمهوری اسلامی، با اوج گیری مبارزات توده ها و وسیع شدن سادها را این هم بسی نقش سرجوا شدند.

از همین رو است که امروز، برجسته تشدید سادها و درونی و بی ثباتی رژیم

اقای موسوی نخست وزیر با شنیدن کس دیگری این مطرح نیست. مطرح نظام جمهوری اسلامی است، ما مکتفیم به حفظ آن، همه نویسندگان مکتفند به حفظ اسلام!"

این سخنان خمینی که بد مناسب هفته دولت گفته شده است، اگر چه در صراحت ارتجاعی های مخالف دم، بسند "حفظ نظام اسلام" و "نظام جمهوری اسلامی" دعوت بعمل میآورد، و همه را مکتف میکند به "حفظ نظام"، در عین حال بر اصرار جبر دیگری گویای کسب حکمی نظام جمهوری

سرکوب! سقوط یا نجات ارتجاع

هجوم وحشیانه به این روستا پس از ضرب و شتم اهالی، ۶۸ تن از آنان را قتل عام کرده و ماهیت مرتجعین حاکم را بیش از پیش برملا ساختند.

کشتارنا توسط مزدوران هرچند که در این نمونه‌ها تمهید یافت و در پروسه حیات شکنین رژیم جمهوری اسلامی به سر تا سر کردستان تعمیم یافت و تکرار شد تا تشبیت حاکمیت ارتجاع تا مین گردد، اما تجارب تاریخی ده‌ها بار نشان داده است که کشتار و سرکوب توده‌ها قادر به جلوگیری از سقوط قطعی رژیم‌های ارتجاعی نیست! ارتجاع برای نجات خود به سرکوب متوسل میشود، اما سرکوب مانع از سقوط ارتجاع نیست. اگر کشتار ۱۷ شهریور

توانست رژیم شاهنشاهی را از سقوط حتمی نجات دهد، کشتار رگران و زحمتکشان، آفرینش قارناها و ایندرفاش‌ها و دیگر جنایات متعدد و مکرر رژیم در کردستان خواهد توانست او را از سقوط حتمی نجات بخشد.

هفدهم و یازدهم شهریور ماه اگر از سوئی مبین کشتار توده‌ها و افشاگر نقش و چهره ارگان‌های سرکوبگر رژیم‌های سرمایه‌داری در دو شکل سلطنتی و جمهوری اسلامی است، از سوی دیگری داد و جنبش انقلابی توده‌ها و مبارزه آنان برای دست‌یابی به خواست‌های انقلابی و دمکراتیک خویش است!

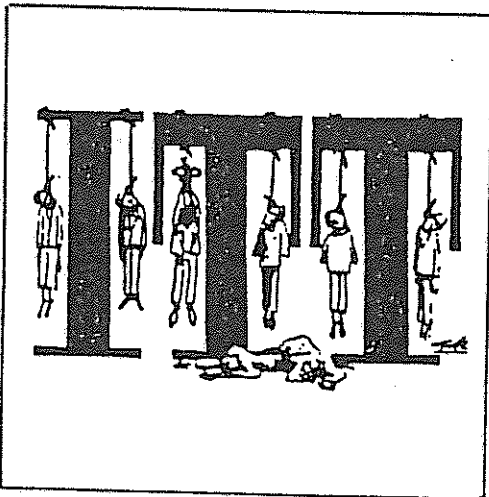
رنده‌ها بد جنبش انقلابی توده‌ها!

پیروزمند توده‌ها روزیست و دوم بهمین ماه، رژیم شاهنشاهی را به گور سپرد. سلطنت و از کون شد اما در غیاب آل‌ترنا تیو انقلابی، مرتجعین به قدرت خزیده و به با رسانی ارگان سرکوب پرداختند. حفظ و حراست از نظام سرمایه‌داری، سازمان نظامی منظم خود را میطلبید. از این رو نه تنها ارتش با سازی شد، بلکه ارگان‌های سرکوب دیگری نیز همچون سپاه و کمیته، ماشین بوروکراتیک را تکمیل کردند. جمهوری اسلامی شمیر رژیم سلطنتی را که عامل کشتارهای خشن و وحشیانه‌ای همچون ۱۷ شهریور و ۱۳ آبان بود توده‌ها عملاً سرکوبگرانه دیگری پشت سرداشت محکم در دست گرفت. آن را نیز ترک کرد و سیقل داد. برنماشم آن افزود و با لای سر توده‌ها نگاه داشت که هر زمان خواست بر فرق سرآنان فرود آورد تا به نقش وظیفه‌اش در این رژیم ادامه دهد. چیزی نگذشت که کشتارها در ابعاد دیگری توسط رژیم جمهوری اسلامی تکرار شد و ادامه یافت. سرکوب کارگران، کشتار بی‌رحمانه خلق‌های ترکمن و عرب، سرکوب مداوم خلق کرد و ایجاد فجایعی چون "ایندرفاش" و "قارنا" نمونه‌های دیگری از عملکرد ارگان سرکوب است.

اگر رژیم شاهنشاهی در حراست از منافع سرمایه‌پروری انبوه توده‌های انقلابی در ۱۷ شهریور آتش کشود و چندین هزار تن را به کلونه بست، رژیم ستمگر جمهوری اسلامی در راستای تامین همان منافع و استمرار حکومت استعمارگران از فریاد بد قدرت رسیدنش به سرکوب و کشتار کارگران و زحمتکشان پرداخت و هنوز بیش از ۷ ماه از قیام توده‌ها سپری نگشته بود که هر مهابه سرکوب رژیم در ادامه خون ریزی‌های مداوم خود، روستای "قارنا"ی کردستان را نیز مورد هجوم و حشانه قرار دادند. سرکوبگران مردور در ۱۱ شهریور ماه ۵۸ با همدستی جیره‌خواران حرب الهی و دارو دست ملاحظه‌امام جمعه ارومیه جنایت دیگری را نمونه جنایات متعدد حلف ناسی خود آفریدند. حرد حواران رژیم ارتجاعی طی یک

وزحمتکشان از میدان ژاله تهران سر برکشید و بزودی امواج خروشنده آن سراسر ایران را در نور دید، بنیان حکومت چابرا نه ستمشاهی را به لرزه افکند و به جنبش انقلابی عمق و ژرفای بیشتتری بخشید.

تا کتیکهای فریبکارانه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، مبنی بر وعده‌های پوچ میان تهری جهت به انحراف کشتار نیدن مبارزات توده‌ها، اثر بخش نبود، توده‌های انقلابی با اشراف به این ریاکاریها، همچنان برابر با مبارزات خود میافزودند جنبش انقلابی اوج مییافت. ارتش دست پرورده شاه، ارگان ستمگری و سرکوب علی رغم در یافت گل آزدست توده‌هایی که به توصیه رهبران مرتجع و سازشکار به آنها هدیه میکردند، همزمان با این تلاشهای فریب آمیز به انجام وظیفه اصلی خود، یعنی سرکوب مشغول بود و با سرخ‌آنان را با گلوله میداد و خون میریخت. قتل عام و کشتار روحشانه ۱۷ شهریور ما، به جنایات رژیم و اعمال سرکوب خونبار، ابعاد کم سابقه‌ای بخشید و شهدای بیشمار را بر جای گذاشت و ماهیت ارتش سرکوبگر، ارتشی که شالوده آن بر حفظ منافع سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها ریخته شده است، بیش از پیش بر توده‌ها آشکار گشت. قتل عام زنان و مردان و کودکان توسط این ارتش میدان ژاله و خیابانهای اطراف آن را رنگین ساخت و خون سرخ کارگران و زحمتکشان بر جویها جاری شد. اما این کشتار روحشانه نه تنها مانع رشد و شکوفایی جنبش انقلابی نکشت بلکه، امواج توفنده حرکت انقلابی توده‌ها و خصوصا کارگران را بیش از پیش برانگیخت و جنبش توده‌ای عمق و اعتلای نویسنی یافت کارگران و زحمتکشان، بویژه نفتگران قهرمان پرچم خونین مبارزه ضد دیکتاتوری و فدا امپریالیستی را سر انراشته نگاه داشتند. اعتمادیات کارگری همراه با تظاهرات خیابانی جامع را بوی یک قیام عمومی و سراسری بیش میسر و سر انجام بدرغم سرکوب و کشتارسی و فقه ارتش سرکوبگر، تمام



رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

نظریه اکتونومیستی خود را حتی برای این پایه هم استوار نمیکنند که کارگران هنوز آماده ورود به صحنه سیاسی نیستند بلکه اساساً مبارزه سیاسی طبقه کارگر را مغربه حال مبارزه اقتصادی و تحقیق مطالبات سیاسی شان ارزیابی میکنند. کسانی که کارگران را بر حذر میدارند که مبادا وارد عرصه مبارزه سیاسی شوند، البته نه مبارزه سیاسی که سیاست تردیونیونی را شامل میشود بلکه آن مبارزه سیاسی که به اساسی ترین مسائل جامعه از قبیل جنگ و سرنگونی رژیم و تسدرت سیاسی مربوط میشود.

بلوک ائتلافی کومه له و سهنجین تعمیقی را در پیش ما رتینمی رسالت خود قرار داده اند. نشریه "کمونیست" ارگان این بلوک در شماره ۲۶ خود طی مقاله ای با نام "مقاومت وسیع علیه بیگسار سازیها را سازمان دهیم." تکفته تر شدن اکتونومیسم این بلوک را متعکس ساخته است این انعکاس از پیش "حزب" نسبت به جنبش کارگری که آنرا تردیونیونیستی مینهد و انقلاب که در حقیقت رفرم را مد نظر دارد ناشی میشود. نشریه "کمونیست" می نویسد:

"حکومت اسلامی کوشیده و میکوشد تا سیاست بیگسار سازی را اساساً از طریق برقراری حالت بسیج جنگی به پیش ببرد. . . . ولی چیزی که باید به آن توجه شود فقط تلاش جمهوری اسلامی برای اعمال بیگسار سازیها از طریق بسیج جنگی نیست. بلکه محدودیت های واقعی است که در این زمینه در مقابل اوترا گرفته است. . . . محدودیت هایی که در هر مبارزه عملی میتواند و باید مورد استفاده قرار بگیرد تا آنکه کارگران بدون آنکه مجبور باشند خود را ناگزیر و بلاواسطه در مقابل جنگ و مبارزه علیه جنگ قرار دهند، مقاومت علیه بیگسار سازی را به پیش ببرند."

چه کابوس وحشتناکی کومه له و سهنجین از رخ میدهد، چقدر وحشتناک است اگر که کارگران مجبور باشند خود را ناگزیر و بلاواسطه در مقابل جنگ و مبارزه علیه جنگ قرار دهند! نه این عرصه با زرگانها و نهضت آزادی است که ما لوسانه و ناگزیر و بلاواسطه خود را در مقابل جنگ قرار دهند. مبارزه علیه جنگ چریکی به کارگران دارد کارگران باید در محدود

کمونیست یا . . .

کارخانه خودسر به مسائل خودداشته باشند چه ربطی بین مبارزه علیه بیگسار سازی مبارزه علیه جنگ و مبارزه علیه سرنگونی رژیم وجود دارد؟ نه، از دیدگاه اکتونومیستها تمامی اینها زیاں آور است، این بلوک ائتلافی که قبلاً به کارگران رهنمود داده بود که در هر کارخانه به هر شکلی که میخواهند بر علیه بیگسار سازی به مبارزه برسند و عمل را برای اتحاد و انسجام طبقه کارگر در مبارزه علیه بیگسار سازی بی فایده تلقی نموده بود و رهنمودش در همین مورد عملاً کارگران را به گروه های جدا از یکدیگر مجزا میساخت، قدمی فراتر برداشته و صریحاً اعلام میکند که کارگران نباید خود را درگیر مبارزه سیاسی کنند، که مسائل جامعه جدا از یکدیگرند و هیچ ربطی به یکدیگر ندارند.

نشریه "کمونیست" در این مقاله خط و مرزی بین مطالبات بلاواسطه اقتصادی صنفی طبقه با مطالبات سیاسی ترسیم میکند که تا کنون هیچ یک از گروه های آنرا رگوسندیکالیستی خط ۳ هم جرات آنرا به خود راه نداده بود. اگر اکتونومیست های روسی که لنین نعثشان راه همگوسربرد مطرح میکردند که طبقه کارگر آمادگی مبارزه سیاسی ندارد (البته نه مبارزه سیاسی تردیونیونیستی) حال از کسانیکه خود را مرکز ما رگسیسم انقلابی در جهان معرفی میکنند میسئویم که مبادا کارگران مجبور شوند خود را ناگزیر و بلاواسطه در مقابل جنگ و مبارزه علیه جنگ قرار دهند، اگر زمانی که کارگران خود بین مبارزه علیه بیگسار سازی و مبارزه علیه جنگ ربطی نائیل نمیشدند کمونیستها وظیفه داشتند که کارگران را به این ربط واقف کرده اند، حال که خود کارگران بین جنگ و بیگسار سازی ارتباط برقرار میکنند، اکتونومیست های ما دستور ایست میدهند، می ترسند مبارزه کارگران بد عرصه ای کشیده شود که آنرا حق طبیعی بازرگانها و نهضت آزادی ها و سایر لیبرالها میدانند!

نشریه "کمونیست" این تز خود را تعمیق می بخشد و در ادامه مینویسد:

"تلاش رژیم اسلامی برای اعمال بیگسار سازیها تحت نام اقتصاد جنگی و از طریق بسیج جنگی ممکن است جنبش تداومی کند که برای متوقف شدن بیگسار سازیها باید جنگ خاتمه یابد! این درک اشتباه در واقع چیزی است که خود رژیم اسلامی هم میکوشد و ما بل است که در جنبش کارگری القاء شود. چرا که نمیتواند کارگران را نسبت به مقاومت علیه بیگسار سازیها نومید کند، آنرا برای توقف بیگسار سازی به عرصه مبارزه علیه جنگ حواله بدهد."

نظریه پردازان اکتونومیست مسائل را اینگونه به ابتدال میکشاند تا کارگران را مجبور کنند در چرخه بیگسار سازیها مبارزه مبارزه خود را ادامه دهند. آخر این برای هر کودک دبستانی هم قابل فهم است که حکومت اسلامی تحقیق تمامی مطالبات بر حق توده ها را به بعد از جنگ و پایان پیروزمندان آن حواله میدهد و اینگونه توده ها را به سمت مبارزه علیه جنگ سوق دهد، رژیم جمهوری اسلامی اگر که نه بیشتر، کمتر از اکتونومیست های ما از مبارزه کارگران علیه جنگ وحشت ندارد، آنجا که نشریه "کمونیست" مینویسد:

"این درک اشتباه در واقع چیزی است که خود رژیم جمهوری اسلامی هم میکوشد و ما بل است که در جنبش کارگری القاء شود. در حقیقت درک اشتباه، و صحیح تر، درک واقعی خود را از مبارزه سیاسی طبقه کارگر آشکار میسازد، درکی که تصور میکند مبارزه همه جا نه طبقه کارگر، مبارزه سیاسی طبقه کارگر، مبارزه طبقه کارگر در مورد کلیدی ترین مسائل جامعه یعنی جنگ، به اتحاد و انسجام طبقه آسیب میرساند. درکی که اتحاد و انسجام و پیروزی مبارزاتی طبقه کارگر را از دیدگانه اکتونومیستی ارزیابی میکند. و آنجا که بلوک کوماند و سهنجین و هندگوشه چشمی هم به مسئله جنگ بیا بیا زنده میسار ما رتینغی در حقیقت اصل سیاسی کسبردن مبارزه اقتصادی را نشانه میروند. نشریه "کمونیست" مینویسد:

"در واقع این خنثی کردن و به شکست کشاندن سیاست بیگسار سازیها خواهد بود که ضربات مهمی را بر جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ وارد میسازد. این معنی مبارزه علیه بیگسار سازیها در صفحه ۱۲

وقتی که تفادهای جامعه‌ها و عمیق
میشود، زمانی که توده‌ها میروند تا بسا
حکومت ارتجاعی تعیین تکلیف قطعی
کنند، و خلاصه آن زمان که کارگران و
زحمتکشان موجودیت انقلابی خود را بسا
استثمار رگران نشان میدهند، بورژوازی
نه تنها مخالف سرکوب و اختناق میشود،
بلکه برای آنکه فرصت کافی بیاید تا
خود را تحکیم کند از این هم فراتر رفته و
طرفداران انقلاب نیز میشود و چنین است که
حتی دیکتاتورهای همچون "شاه" و
خمینی نیز "صدای انقلاب" را می شنوند،
اما این بار توده‌های زحمتکش و
بویزه، کارگران آگاه با تبار خونینی
که پشت سردارند، اجازه نخواهند داد که
یکبار دیگر بورژوازی در هیبتی جدید بر
امواج مبارزات آنان سوار شود و آنرا
به انحراف بکشاند!

جنگ

و

کست در هیئت حاکمه

رادوام و بقاء بخشد، پیهوده نیست که
امروز ملج، "آزادی"، جدائی دیسن از
دستگاه دولت و غیره و غیره از جانب
جریانهای مختلف بورژوازی مطرح میشود
بخشهای مختلف بورژوازی میخواهند بسا
اتکاب به شیوه‌ها و شعارهای جدید، جنبش
توده‌ای را سرکوب کرده تا خود قدرت
سیاسی را به چنگ آورند. بورژوازی برای
انحراف مبارزات کارگران و زحمتکشان
در مقابل شعار ملج توده‌ها، صلح انقیاد
گرایانه‌اش را قرار میدهد، در مقابل شعار
آزادی توده‌ها، آزادی استثمارگرانه و
بجای شعار دمکراسی توده‌ای، دمکراسی
خود را قرار میدهد!

که کلیت نظام را تهدید میکند جریانهای
بورژوازی به تکاپوی افتند تا چهره
خوبش را تغییر دهد و با شعوبش شعارهای
پیشین، که در پیشبردها هدف غارتگران و
تشبیهت حکومت سرمایه‌داران دیگری اثر
شده‌اند، مناسبات استثمارگرانه را از
زیر ضرب توده‌ها خارج سازند. اگر روزی
طرح شعار تلفیق دین و حکومت در دستور
کار بورژوازی بود، و بورژوازی بقاء و
دوام منافع خود را در آن میدید، امروز
نجات خود را در برافراشتن پرچم دیگری
دیده است، اتکاب، رباکارانه بخش‌های
مختلف بورژوازی به شعارها و مطالبات
معینی که امروزه از سوی توده‌ها عنوان
میشود، آن پرچمی است که بورژوازی با
بهره‌گیری از شرایط و خامت با رکنونی
میخواهد آنرا برافرازد تا همچنان جامعه
سرمایه‌داری و مناسبات استثمارگرانه

همبستگی کارگران را در مبارزه‌های
مستقیم و نیرومند برای برقراری بیمه
بیکاری خواستار میشوند، این است آن
اوج پرواز مرغی، که خود را عقاب
میخوانسد.

عملی علیه خود جنگ ورژیم اسلامی نیز
هست به اتحاد و همبستگی کارگران میرسد
و مینویسد: "در صورت مجهز کردن
مقاومت و مبارزه علیه این موج خرابی‌ها
سازی‌ها با درخواست تا مین معیشت تا
برگشت به کار و موفقیت در عملی کردن
این خواست، دور نیست که صفوف ما
در همبستگی و اتحاد با صدها هزار بیکار
تقویت شود مبارزه ای مستقیم و
نیرومند برای به رسمیت دادن بیمه
برقراری بیمه بیکاری در جامعه آغاز
گردد."

کمونیست یا کونومیت؟

در شرایط حاضر به معنای یک مبارزه
واقعی و عملی علیه خود جنگ ورژیم
اسلامی نیز هست
آری، آری کارگران و لزومی ندارد
که شما زحمت مبارزه علیه جنگ را بر خود
هموار سازید لزومی ندارد که بر علیه
رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنید کافی
است که بر علیه بیکاری مبارزات خود را
گسترش دهید، این بیمه مبارزه علیه جنگ
و علیه رژیم!

اما کارگران به این مارکسیستهای
قلابی خواهند گفت، که این همان رهنمودی
است که بورژوازی همواره به ما داده است
و در طول تاریخ زمانی که ما نا آگاه
بودیم و این حرفها با و زمان میا مدبارها
سرمایه سنگ خورده است، این سخن،
سخن آشنائی است، میگوئید نه! بروید
از آقای بازرگان بپرسید تا ببینید تا
چه حد از این رهنمود شما بسا کارگران
مشغول میشود و وقتی میبیند "مارکسیستهای"
هم پیدا میشوند که حرف او را میزنند.

و بالاخره نشریه "کمونیست" پیار
رهنمودهای عملی برای مبارزه علیه
بیکاری را که با معیار کونومیتی در
شرایط حاضر یعنی شرایطی که انقلاب در
دستور است به معنای یک مبارزه واقعی و

پیاد صد

بین اقشار محروم جامعه از کودک و بیسرو
جوان برانگیزد و با امید به هستی و درک
ارزشهای واقعی آن "چگونه بودن" را
بدانها بیاموزاند.
بدینسان صمدیا کشودن راهی تازه
با جدوجهد در راه پالایش فکری نسل جوان
در اعماق پیوندهای صمیمانه و عشق خود
با ستمکشان، حیات و مرگ خود را نیرو بخش
زندگی گرداند و اینک، پس از ۱۸ سال
ار آن مرگ نابهنگام، امروز در عرصه
بیکاری طبقاتی و فردا در صبح روشنائی در
رک و اندیشه انسان کمونیست چسبائی
خواهد ماند.

با دصمیمت و رفانت صمد
گرامی ساد

آری اتحاد و همبستگی و مبارزه
مستقیم و نیرومند برای برقراری بیمه
بیکاری است، در حالیکه کارگران خود
رادرمبارزه ای رویارو با رژیم جمهوری
اسلامی میبینند در حالیکه اتحاد و
همبستگی کارگران در جهت وحدت طبقاتی
و نه تردیونیونیستی میتواند به پیش رود
شرایط آن کاملاً مهیاست، در شرایطی که
بحران انقلابی مبارزه ای مستقیم و
نیرومند را بر علیه قدرت سیاسی حاکم در
مقابل کارگران قرار داده است، در حالی
که مسئله جنگ و مسئله قدرت سیاسی در
دستور روز مبارزه کارگران قرار دارد،
در حالیکه پیشاهنگ پیرو لنینیسم باید
کارگران را برای رساندن اتحاد و
همبستگی کارگران را برای کسب قدرت
سیاسی تقویت بخشد، در حالیکه انقلاب در
دستور است، کونومیت‌های ما اتحاد و

بانه

در پی هجوم گسترده مزدوران رژیم به اماکن مکتوبی شهر بانه و نیز روستاهای اطراف آن جهت دستگیری جوانان و اعزام آنان به جبهه های جنگ ارتجاعی، مشمولین خانه و کاشانه خود را ترک کرده و در مناطقی که دور از دسترس رژیم است پنهان شده اند، حمایت وسیع اقشار رحمتکش بانه و روستاهای اطراف در پناه دادن مشمولین ضمن آنکه تلاشهای مذبحخانه رژیم را برای سر بازگیری ناکام گذاشته است. دال بر نفرت روز افزون توده ها از جنگ ارتجاعی است.

در تاریخ ۸ شهریور ماه یکدسته از مزدوران رژیم موسوم به گروه ضربت پس از محاصره روستای "ساوان" واقع در بخش "شوی" به خانه گردی و ضرب و شتم زحمتکشان میپرداختند و ۱۵ تن از اهالی را دستگیر و در مسجد روستا جمع می کردند. اهالی روستا متحداً دست به اعتراض میزدند و با تمام قدرت مزدوران را مورد حمله قرار میدهند. سرکوبگران که از این عمل انقلابی زحمتکشان دچار وحشت گردیده، بودند دست به تیراندازی هوایی میزنند، اما زحمتکشان خشمگین بی هیچگونه هراسی از اینگونه اعمال وحشیانه به تعرض انقلابی خود ادامه داده و رأساً هر ۱۵ نفر دستگیر شده را آزاد مینمایند. نیروهای مزدور با عجز و درماندگی مجبور به ترک روستا میشوند. روز دوم شهریور ماه نیز روستای "ره شه لات" مورد یورش وحشیانه مزدوران قرار میگیرد، سرکوبگران پس از محاصره روستا به تفتیش و خانه گردی پرداخته و ۱۵ تن از اهالی این روستا را دستگیر و روانه شهر میکنند. روز بعد خانواده های افراد دستگیر شده در اعتراض به دستگیری جوانان در مقابل زاندارمزی بانه تجمع نموده و خواستار آزادی فرزندان خود میشوند.

در تاریخ ۱۷ شهریور ماه مزدوران رژیم به روستای "به کی" یورش برده و ۴ تن از مشمولین را دستگیر مینمایند،

اخبار جنبش توده های



وحشت و در کمال عجز و بیونی روستا را ترک میگویند.
- روز ۱۷ مرداد ماه نیز اهالی روستای "هاله دهره" واقع در این بخش ضمن راهپیمایی اعتراضی آمیز خود بدون هراس از تیراندازیهای هوایی مزدوران مستقر در پایگاه روستا وارد پایگاه میگرددند و ۱۲ نفر از اهالی روستا را که در اسارت نیروهای مزدور بودند آزاد می سازند.

- همچنین در روزهای ۱۸ و ۱۹ مرداد ماه زحمتکشان روستاهای "چستان"، "به زده سی"، "کیزمل علیا و سفلی" و هزارکاشیان "بمنظور سر بازگیری اجباری مورد یورش سیمانه مزدوران رژیم قرار گرفت، طی این هجوم وحشیانه اهالی روستاهای فوق تهدید شده اند که باید فرزندان شان را برای اعزام به جبهه های جنگ ارتجاعی معرفی نمایند، مردم زحمتکش این روستا ها تسلیم تهدیدات کهنه شده رژیم نشده و مقاومت یکپارچه آنان ادامه دارد.

تعرضات زحمتکشان "به ریه له مارال" که همواره شکست سیاستهای سرکوبگرانه رژیم را در پی داشته بخوبی عجز و درماندگی رژیم را در مقابل با حرکات دسته جمعی و متحد زحمتکشان آشکار میسازد.

سر باز گیری اجباری

سندج

زحمتکشان روستای "تسینال" در بخش "به ریه له مارال" با رد یکپارچه یورش وحشیانه مزدوران رژیم را که برای بدام انداختن مشمولین بمنظور اعزام به جبهه های جنگ ارتجاعی صورت گرفت با مبارزه متحد خود به ناکامی کشانند.
روز ۱۸ مرداد ماه، مزدوران رژیم به این روستا هجوم میبرند اما زحمتکشان با هوشیاری کامل جمعی از مشمولین را فراری میدهند و سپس متحد و یکپارچه آماده رویارویی با سرکوبگران میشوند. هنگامیکه مزدوران قصد دستگیری یکی از اهالی را داشتند روستائیان به مقابل انقلابی پرداخته و با مضر و بکردن تنی چند از مزدوران فرد دستگیر شده را از چنگ مزدوران آزاد میکنند. جانشان خود فروخته که از این حرکت هم آنگ اهالی زحمتکش غافلگیر شده بودند با تیر و

اخبار جنبش توده‌ای

افراد دستگیر شده در یک فرصت مناسب موفق به فرار شده و از چنگ مزدوران میگریزند.

روز ۹ شهریورماه نیز ۶ تن از اهالی روستای فوق الذکر دستگیر و روانه شهر بانه میشوند، بستگان و خانواده‌های افراد دستگیر شده به شهر بانه رفته و رژیم برای جلوگیری از گسترش اعتراضات آنها را آزاد مینماید.

روز ۱۱ شهریورماه نیروهای مزدور رژیم طی یک یورش وحشیانه به مناطق مکتونی شهر بانه تعدادی از جوانان شهر را دستگیر و راهی پادگانها نمودند که هنوز از سرنوشت آنها خبری در دست نیست.

مریوان

نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در راستای سیاستهای ارتجاعی رژیم، چندی پیش به روستای "بارام. شاکا" یورش برده و اهالی روستا را مورد تهدید قرار میدهند که باید جوانان مشمول را برای اعزام به سربازی معرفی نمایند. مردم زحمتکش این روستا همچون اغلب زحمتکشان کردستان متحداً دست به مقاومت زده و از بهزیرفتن خواست مزدوران سرباز میزنند و آنان را مجبور به ترک روستا مینمایند.

در تاریخ ۱۸ شهریورماه نیروهای سرکوبگر به بارو روستای "گاشی دینار" واقع در حومه شهر مریوان راه محاصره در آورده و دست به خانه گردی و ضرب و شتم زحمتکشان روستا زده و با ایجاد زعب و ترس تعدادی از جوانان را دستگیر مینمایند. لازم به یاد آورست که این روستا یکی از مراکز تجمع آوارگان جنگ ارتجاعی است.

سردشت

روز ۲۳ مردادماه روستای "سین سدر" واقع در بخش گه ورک به محاصره نیروهای

مزدور جمهوری اسلامی در میآید و خانه گردی از جانب نیروهای سرکوبگر بقصد دستگیری مشمولین فراری آغاز میگردد. جوانان روستا عمدتاً موفق به فرار میشوند اما ۵ تن از آنان به هنگام خانه گردی دستگیر میگردند. مردان و زنان زحمتکش با تجمع و دادن شعار علیه نیروهای مزدور موفق میشوند پس از چند روز آنها را آزاد سازند.

بازار "نهلوس" در مسیر جسداده سردشت - پیرانشهر نیز به همین منظور مورد هجوم گسترده مزدوران رژیم قرار گرفت که بیشتر مشمولین موفق به فرار شدند. اما تعدادی از آنان توسط رژیم دستگیر میگردند، که از سرنوشت آنها هنوز خبری نیست.

در روزهای ۱۸ و ۱۹ شهریورماه مزدوران رژیم به روستاهای "موسه لان"، "به لوکه"، "خالواتان"، "نهلوس"، "میرثاوا" در بخش سویینا به شی یورش برده و پس از هتاکتی و ضرب و جرح زحمتکشان تعدادی از جوانان را دستگیر مینمایند، حملات غافلگیرانه مزدوران به روستاهای مناطق مختلف کردستان در این روزها شدت گرفته تا تعداد

سرکوب و وحشیانه زحمتکشان

نشانه ترس و ترسویی مردم

در مریوان

جنبش انقلابی خلق کرد است!

سردشت

از هنگامیکه دامنه جنگ ارتجاعی توسط رژیم به کردستان گشوده شد، سیاست رژیم در تشدید سرکوب خلق سیاستمدار کردها را ترکشست. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که در کشتار رکارا و زحمتکشان از هیچ شیوه جنایتکارانه‌ای فروگذار نمیکند هر روز تعداد بیشتری از زحمتکشان خلق کرد را به خاک و خون میافکنند. در ادامه همین سیاستها روز ۲۷ مردادماه گذشته از یایکاد "میرثاوی" روستای "کویزلی" در بخش "نهلین" را خمیاره باران کرد و کودک ۱۳ ساله‌ای

بیشتری از زحمتکشان راه مسلخ جنگ ارتجاعی کسید دارند.

در سن انزلی و تنفرشید از رژیم جنگ ارتجاعی هر روز تشدید میشود و فرار از جبهه‌ها در ابعاد وسیعتری همپوشان ادامه دارد.

در روزهای ۲۵ و ۲۳ مردادماه دو تن از سربازان موفق به فرار شده. و خود راه نیروهای انقلابی معرفی نمودند.

در تاریخ دوم شهریور ماه سرباز دیگری که مسئولیت تدارکات پایگاههای "دکاگا" در منطقه سرشیوسقز را بعهده داشت محل خدمت اجباری خود را ترک و خود را به پیشمرگان خلق کرد معرفی و داوطلب پیشمرگانی شد.

روز سوم شهریورماه نیز سربازی که از یایکاد نیروی هوایی بندر عباس موفق به فرار شده بود خود را به پیشمرگان معرفی کرد، سرباز دیگری در تاریخ ۱۲ شهریورماه به کمک اهالی روستای "جناره" در منطقه مریوان از چنگ مزدوران گریخت و داوطلب پیوستن به صف پیشمرگان جنبش خلق کرد گردید.

براشراین عمل وحشیانه جان خود را از دست داد و خسارات مالی فراوانی به زحمتکشان این روستا وارد شد.

رژیم متناً و با تعدادی از روستاهای این منطقه را گلوله باران نموده. و در روستای "هلوی" تیر خا نوده‌ای زحمتکش یکجا و اینفران اهالی روستا بشهادت میرسد چهار نفر مجروح میگرددند و خساراتی نیز به زحمتکشان وارد میآید.

عین همین حرکت ددمنشانه در مورد روستاهای "بی شاد"، "شیشکادور"، "شیوه سل" در بخش "سویینا به تی" تکرار میشود و در روستای "بی شاد" که با اسلحه دوشکاتیر گلوله باران میشود و خساراتی

اخبار جنبش توده‌ای

به زحمتکشان وارد می‌آید و تمهیداتی از احاطه روستاها از بین می‌رود.

روز اول شهریور ماه مزدوران رژیم روستاهای "نه‌لونه" و "میوه‌لسی" در بخش "گهورک" را خمپاره باران نمود و خسارات مالی فراوانی به زحمتکشان وارد آمد، در روستای "نه‌لونه" ۵۰ راس از احشام مردم این روستا تلف گردید. اخیراً مزدوران مستقر در پایگاههای مسیر جاده سردشت - مهاباد چندین روستا را خمپاره باران نموده و خسارات مالی زیادی با هالی منطقه نیز وارد آمده است.

روز ۱۸ شهریور ماه مزدوران رژیم مستقر در پایگاههای "دوله‌تور" واقع در بخش "سویسنایه‌تی" مسیر رفت و آمد کاروانچیان را خمپاره باران نموده و دو تن از آنان که اهل روستای "هدلسوی" بودند مجروح میگرددند.

طی سال جاری برای خمپاره باران تیراندازی و کمین گذاری مزدوران علیه کاروانچیان تعدادی از آنها جان خود را از دست داده و با توسط این جنایتکاران غارت شده و متحمل خسارات شده‌اند.

مریوان

زحمتکشان روستای "ماسی شهر" واقع در بخش سرشیو مریوان روز ۱۹ مرداد ماه در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه رژیم به داخل پایگاه مزدوران رفته و پس از چند ساعت موفق به آزاد کردن یکی از اهالی می‌شوند. شب همان روز مزدوران روستا را محاصره میکنند و دو تن از اهالی را در حالیکه چشمهایشان را می‌بندند با ضرب و شتم همراه خود می‌برند. زحمتکشان این روستا طی چند سال گذشته همواره علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم مبارزه نموده و در مقابل فشار و تهدید و اعراب مزدوران رنگارنگ رژیم تسلیم نشده‌اند. بدینسان تا کامی رژیم اریاس

سربازگیری در کردستان، اخیراً مزدوران جمهوری اسلامی، زحمتکشان روستاهای "نژمار"، "سرنژمار"، "نی"، "گورگه‌بی" واقع در بخش "شامیان" و "آوارگان جنگی" مستقر در این روستاها را بسه زور وادار نموده‌اند که شیبا برای آنها نگیبانی بدهند. زحمتکشان این روستاها با ایدبا اتحاد دومبارزه خود علیه مزدوران و سربازان از نگیبانی اجباری این سیاست رژیم رانیز با شکست مواجه سازند.

رژیم جمهوری اسلامی که پس از ۷ سال سرکوب مستمر در کردستان تمام شیوه‌های جنایتکارانه و فداکاری خود را تجربه کرده و در تمامی عرصه‌ها ضواریه در مقابل مبارزات توده‌های زحمتکش و پیشمرگان دلیران با شکست مواجه شده، امروز با کشیدن سیم خاردار به اطراف روستاها، و ایجاد حصار به دور آنها قصد دارد تا بر کنترل پلیسی خود اکتفا کرده و زحمتکشان را با محدودیت‌های بیشتری مواجه سازد. در همین رابطه مزدوران رژیم اخیراً اطراف روستای "نی" را با سیم خاردار محصور نموده‌اند، هر چند که این ساله اهالی زحمتکش روستا را با مشکلات فراوانی روبرو ساخته اما از هم اکنون نیز واضح است که این سیاست نیز با شکست مواجه خواهد شد.

در تاریخ ۲۹ مرداد ماه زحمتکشان روستای "بهر فرو" در بخش "شامیان" پس از صدور قطعنامه‌ای خواستار اخراج فرمانده پایگاه و یک جاش خود فروخته مستقر در پایگاه می‌شوند. اقدام این زحمتکشان در ادامه مبارزات و اعتراضات مستمری صورت گرفت که همواره علیه حضور نیروهای سرکوبگر و سیاستهای ضد خلقی آنها وجود داشته و این بار با اعتراض پیگیرانه خود موفق به اخراج دو مزدور فوق‌الذکر از پایگاه روستای "بهر فرو" شدند.

بحران همه‌جانبه و عمیق اقتصادی سیاسی آنچنان رژیم را در تنگنا قرار داده که حتی در حل ابتدائی ترین نیاز توده‌ها نیز ناتوان و عاجز مانده. اخیراً با توجه به شروع سال تحصیلی جدید اداره آموزش و پرورش مریوان با انتشار بخشنامه‌ای اعلام داشته است که رژیم هزینه تعمیر مدارس را بعهده نمی‌گیرد و دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان باید هزینه تعمیرات مدارس را خود برعهده

بگیرند. برای نمونه به دانش‌آموزان بخش شامیان ابلاغ گردیده که باید هر کدام چند روزی کار اجباری نموده و مدارس را تعمیر نمایند!

این سیاست که محدود به منطقه شامیان نبوده و به سیاست عمومی رژیم در همه شهرها و روستاهای کردستان تبدیل گشته است، انعکاس افلاک و ورشکستگی مالی بیش از پیش رژیم است.

در تاریخ ۷ شهریور ماه مزدوران رژیم یکی از زحمتکشان روستای "گاگل" را به رگبار بسته و او را به شهادت میرسانند جنایتکاران بمنظور جلوگیری از اعتراض بستگان وی خانواده مقتول را بسه ارومیه انتقال میدهند. شایان ذکر است که مزدوران آزادی خانواده مقتول را منوط به دادن رضایت در مورد این عمل جنایتکارانه نموده‌اند.

چندی پیش مزدوران رژیم جمهوری اسلامی از پایگاه "گویزه‌کویه" در نزدیکی شهر مریوان وارد روستای گویزه‌کویه میشوند و دو تن از اهالی را که بین آنها اختلافاتی وجود داشته دستگیر و همراه خود می‌برند. زحمتکشان این روستا پس از آنکه از دستگیری این دونفر مطلع میشوند دست به اعتراض زده و با حرکت دسته جمعی خود مزدوران مستقر در روستا را وادار به آزادی آنها مینمایند.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی خشونت و درندگی را از حد گذرانده‌اند و از هیچ جنایتی طی چند سال گذشته در کردستان فروگذاری نکرده‌اند. اخیراً روستای "گوگچه" واقع در بخش سرشیو مریوان محصور و با روشی زحمتکشان این روستا با جنایتکاران رژیم بود. روز ۸ شهریور ماه یکی از اهالی این روستا که از بیخنتان برای مزدوران غارتگر سرباز زده بود مورد ضرب و شتم و حتی اند سرکوبگران قرار میگردد و به پایگاه برده میشود. اهالی این روستا به دفاع از وی در مقابل پایگاه تجمع میکنند و خواستار آزادی او میگرددند.

فرمانده جنایتکار پایگاه به یکی از مزدوران دستور تیراندازی به سوی معترضین را میدهد اما تعدادی از سربازان با این حرکت مخالفت کرده و مانع تیراندازی میشوند. فرمانده مزدور در منتهای سبعیت اسلحه را از دست سرباز میگیرد و خود بیطرف مردم به دفاع تلیک میکند. دوسر اررگان زحمتکش و یک

افراد مذکور مرعوب شهیدیات آنها نشده و توسطه سرکوبگران راخنشی میکنند.

دیواندره

زحمتکشان روستای "سهوله" دربخش "خورخوره" دیواندره پس از ۴ روز کوچ اجباری به روستای خود با زگشتند.

اهالی این روستا که توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی آواره روستاهای اطراف گشته بودند پس از آنکه بارها در برابر ادارات دولتی رژیم با سادار سرمایه در شهرهای سنج و دیواندره تجمع نموده و هیچگونه اعتنائی به درخواست آنها نشده بود، متحد و یکپارچه تصمیم با زگشت به روستای خود را در روز دوم شهریورماه به اجرا درآوردند.

حرکت متحدانه اهالی این روستا باید برای تمامی زحمتکشان کسبه از روستاهای خود کوچ داده شده اند سرمشتکی باشد و قدرت خود را که در اتحادشان نهفته است بدرستی بشناسند.

شب ۵ شهریورماه سرکوبگران خلق کرد در ادامه سیاستهای جنایتکارانه خود جوان ۲۰ ساله ای را در روستای "تازه" و ناوای مهجی خان" دربخش "قالقالی" به رگبار بسته و او را به قتل میرسانند.

مردوران رژیم برای تحمیل اهالی و فرار از اشتقام و خشم و نفرت زحمتکشان منطقه نسبت به این عمل ددمنانه اقدام به برقراری مقرری! برای خانسواده، مقتول نموده اند.

اشنویه

در تاریخ ۱۴ شهریورماه مزدوران مستقر در پایگاه "پوش ناوی" واقع در بخش "سی تهکان" به بیانه اینکه پیشمرگان در انبارهای علوه روستا خود را مخفی کرده اند، انبارهای روستا را به آتش میکشند و خسارات مالی فراوانی به زحمتکشان وارد میسارند.

"قاقش علیا" رفته و به یکی از زنان اهالی اهانت مینماید، مردم زحمتکش در برابر حرکت این مزدور به مقابله بر میخیزند. در همین رابطه زحمتکشان روستای "قاقش علیا و سفلا" جهت اعتراض به عملکردهای مکرر این مزدور برای چندمین بار به شهرها با دمیروند و به فرمانداری مراجعه مینمایند اما بی اعتنائی دست اندرکاران رژیم مواجه میشوند.

- در تاریخ ۲۹ مردادماه ایادی رژیم جمهوری اسلامی شوراها ی برخی از مناطق "چوم مهجی خان"، "شامات" و "مه حال" را به شهر میاندوآب فراخوانده و درخواست نموده اند که شوراها ی این مناطق مردم را تشویق نمایند که رژیم را از نظر مالی یاری رسانند! لازم به یادآوریست روز ۱۵ شهریورماه، جاشهای خود فروخته به روستاهای "زیسوه" و "گومه زیان" حمله کرده و پس از ضرب و شتم اهالی مبلغ ۲۸ هزار تومان از دسترنج زحمتکشان را به غارت میبرند.

سنندج

جنایتکاران رژیم جمهوری اسلامی که از مبارزات زحمتکشان بخش بهرپله ی سارل "به تنگ آمده و از استمرار آن دچار وحشت شده اند، مدا و ما روستاهای این منطقه را تحت فشار و ارباب و تهدید قرار میدهند. ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۶ شهریورماه یک دسته از مزدوران به روستای "کلچیر" واقع در این بخش هجوم میبرند و با تیراندازی های بیپایسی، مذبحخانه تلاش میکنند اهالی را وادار به ترک روستا کنند، اما زحمتکشان وسیعاً دست به اعتراض زده و مزدوران را به عقب نشینی وادار میسازند.

- در تاریخ ۱۶ شهریورماه مزدوران رژیم تعدادی از اهالی روستای "که فرا- سیاو" واقع در بخش "سارال" را برای تحویل اسلحه! تحت فشار قرار میدهند.

در همین رابطه ۴ تن از زحمتکشان را به پایگاه برده و پس از ضرب و شتم فراوان سعی در گرفتن اقرار از آنها میسازند که اسرا در دستگیر شده ریز بار برسد و مزدوران ناچار آنها را آزاد میسازند.

روز ۱۸ شهریورماه مجدداً آنها را تحت فشار قرار میدهند که این بار نیز

خبرچینش توده ای

کودک خردسال بشدت زخمی میشود، مردم ستمدیده روستا مجروحین را به روستا میبرند اما جنایتکاران رژیم مجروحین را به پایگاه "کانی کون" منتقل می کنند. زحمتکشان روستای "گوگجه" دسته جمعی بطرف پایگاه "کانی کون" راهپیمائی مینمایند و خواستار مجازات فرمانده میشوند.

مهاباد

جنایتکاران جمهوری اسلامی مستقر در روستای "شیخ نشین" واقع در بخش "تهرگوه" در شب ۲۵ مردادماه هنگامی که زحمتکشان این روستا پس از انجام مراسم "عید قربان" از مسجد اعزام خانه ها خود بیرون میروند، رگبار میبندند، که در نتیجه دوش از اهالی که یک نفر از آنان خردسال بود جان خود را از دست میدهند.

مزدوران در کمال وقاحت روز بعد به زحمتکشان اعلام کردند که پیشمرگان مرتکب این عمل شده اند. اما روستائیان ستمدیده کردستان که طی ۷ سال ماهیت این جنایتکاران را شناخته و تمامی سیاستهای رژیم را تجربه کرده اند، بخوبی میدانند و کوشیهای مزدوران سرپوشی است برای جنایت وحشیانه.

- روز ۲۶ مردادماه سرکوبگران مستقر در پایگاه "میرشاه" واقع در بخش "مهنگور" زحمتکشان روستای "کارگی" را مورد یورش سیمانه خود قرار داده و خانه های سه تن از زحمتکشان این روستا را پس از ضرب و شتم مردم بیدفاع روستا به آتش کشیده و خسارات مالی فراوانی به این زحمتکشان وارد ساختند. مزدوران پایگاه مذکور قبلاً نیز اهالی روستاهای "کوجان" و "چومل" را وادار به خروج از روستایشان کرده و خانه های این زحمتکشان را به آتش کشیده بودند.

اهالی زحمتکش روستای کارگی نیز هم اینک آواره کوهیهای اطراف شده اند، لازم به یادآوریست که فرمانده جنایتکار این پایگاه چندی قبل به روستای

روستای ماموخ از توابع سنندج جوانان دستگیر شده مینی بوسها را متوقف می‌آزند دسته جمعی فرار میکنند. کوشش مزدوران در دستگیری مجدد آنها بی ثمر میماند زیرا که با حمایت زحمتکشان منطقه تعدادی از آنها به نقاط امن پناه می‌برند و تعدادی خود را به پیشمرگان انقلابی خلق کرد معرفی مینمایند.

وابسته به دولت و تشکلهای توده‌ایست. شوراهایی که این شهادت آن دم میزند ارگان جاسوسی و اختناق رژیم برای جلوگیری از رشد مبارزات و سرکوب جنبش انقلابی دمکراتیک خلق کرد است.

اخیرا جنبش توده‌ای

کرمانشاه - منطقه دالاهو

اخیرا روستاهای "گورگ ناوهرز"، "بنه‌وهن"، "دی‌نهر" در منطقه "کوران" مورد یورش‌های وحشیانه مزدوران قرار گرفته و به چپاول و غارت زحمتکشان می‌پردازند. جنایتکاران به این اعمال وحشیانه اکتفا نکرده و دست به آدم‌ربایی زده‌اند. در روستاهای "گورگ ناوهرز" و "دی‌نهر" دو تن از زحمتکشان رابوده و تاکنون خبری از آنها در دست نیست.

در منطقه "سج ناوی" نیز به خانه فرد زحمتکشی تیراندازی نموده و خساراتی به آن وارد کرده‌اند.

سقز

کمبود نیروی انسانی رژیم برای قربانگاههای جنگ ارتجاعی، ایجاد جنایتکار حکومت ارتجاعی را واداشته تا به هر شیوه ردیلا نه‌ای اقشار مختلف را مسلح نموده و به خدمت جنگ درآوردند. مزدوران رژیم اخیرا به کلیه کارمندان شهر سقز ابلاغ نموده‌اند که شبها در مسجد جامع حضور یابند تا از آنان برای حراست ادارات استفاده شود. این حرکت، اعتراض وسیع کارمندان شهر سقز را برانگیخته است.

چند خبر از:

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

پیرانشهر

در تاریخ ۸ شهریور ماه روستاهای حومه پیرانشهر مورد یورش هواپیماهای عراقی قرار گرفت و تلفات و خساراتی بسیار آورد. در این یورش وحشیانه روستاهای "نمه‌جی"، "قلاتره‌شه"، "بادین ناوری"، "کس‌گهس"، "زیبوه"، "کونه‌لاجان"، "کله‌کن" هدف بمباران و راکت قرار گرفتند.

در روستای "بادین ناوی" دوشن کشته و یک نفر در روستای "قلاتره‌شه" به شدت مجروح گردید. در روستای "لاوین" یکی از زحمتکشان جان خود را از دست داد و یک نفر دیگر مغمود الاثر شده است.

در روستاهای "کونه‌لاجان و زیبوه" خسارات فراوانی به اهالی وارد آمد. در روستای "کله‌کن" خرمناهی متعلق به زحمتکشان این روستا عمه حریق ناشی از بمبارانها شد. بدنبال این حملات مردم ستم‌دیده روستاهای مذکور آواره کوهها و دشتها شده‌اند.

در ادامه سیاستهای جنگ امروزانه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، مناطق "کاشی رتی"، "درگرده" محور "دول نه‌بی" "قلاتره‌تی"، "ریوه" مورد تهاجم بمباران

مریوان

روز ۱۳ شهریور ماه مزدوران رژیم در شهر مریوان وجاده‌های اطراف آن با یک برنامہ از پیش طرح ریزی شده شروع به دستگیری جوانان مینمایند تا آنها را به جبهه‌های جنگ ارتجاعی روانه کنند. تعدادی از جوانان قبل از دستگیری بکمر زحمتکشان موفق میشوند از جنگ مزدوران بگریزند.

روزی بعد هنگامیکه ۲۰۰ تن از جوانان دستگیر شده را به قصد اعزام به مراکز آموزشی عجب‌شیر روانه میکردند، در مسیر راه بیش از ۱۷۰ نفر از آنها موفق به فرار میشوند.

روز ۱۷ شهریور ماه نیروهای سرکوبگر در مسیر سنندج - مریوان اقدام به کنترل و بار دباژ تومسبل‌ها نموده و تعدادی جوان را دستگیر و توسط ۳ مینی بوس همراه چند مرد در روانه ارومیه می‌کنند. در مسیر حرکت و در سردیگیهای

چند خبر کوتاه از

شهرهای کردستان

بانه

روزه شهریور ماه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی یکبار دیگر شوراهای اسلامی ناحیه بانه را فراخواند تا آنها را در جهت برآوردن اهداف ارتجاعی خود فعالیت‌رمانا یید. در همین رابطه "ملا علی خرمشاهی" نماینده مجلس ارتجاع ناراضی بیتی خود را از عدم توفیق رژیم در ایجاد دشواریهای اسلامی واقعی!! ابراز داشت و گفت: "رژیم میکوشد که به مرور شوراهایی را که توسط خود مردم برپا شده اند بچیند و دشواریهای اسلامی واقعی را جانشین آن سازد" سخنان این مزدور مبین وحشت رژیم ارتشکلهای غیبر

نخستین پیروزی خلق ویتنام گرامی باد



دوم سپتامبر ۱۹۴۵ مصادف با پیروزی خلقی است که در پرتومبارزات خونبارش تحت رهبری طبقه کارگر علیه امپریالیستهای غارتگر، آزادی و دمکراسی را برای ویتنام به ارمغان آورده، پیکار عظیم توده‌های زحمتکش ویتنام برای حاکمیت بر سر نوشت خویش با صلابت و استواری کم نظیری سالیان متمادی ادا به یافت و با بیرون راندن اشغالگران ژاپنی و سرنگونی دولت دست نشانده‌ای که به خلق ویتنام تحمیل گشته بود نخستین مرحله از پیروزی برای طبقه کارگر این کشور تحقق یافت.

کارگران و دهقانان ویتنام برای رهائی از سلطه امپریالیسم، کسب استقلال و پایان دادن به غارت استثمارگران، جنگ انقلابی توده‌ای را که توسط حزب کمونیست رهبری میشد علیه میلیتاریستهای ژاپنی برپا داشتند.

رزم مسلحانه‌ای که توده‌های زحمتکش آغاز کردند پایه‌های ارتش خلق را بنیان نهاد و با آزادی مناطقی، نطقه‌های حاکمیت توده‌ای بسته شد.

با اوج گیری مبارزات کارگران و زحمتکشان، حزب کمونیست فراخوان قیام عمومی علیه دولت دست نشانده امپریالیست‌ها را در اوت ۱۹۴۵ و در شرایطی که گسستگی و ناتوانی حکومت به اوج خود رسیده بود اعلام داشت.

حکومت انقلابی کارگران و دهقانان حکومتی که محصول قیام قهرآمیز توده‌ها

بود در دسامبر ۱۹۵۴ قدرت را در دست گرفت و بدین سان سست‌ترین و ضعیف‌ترین حلقه جبهه جهانی امپریالیستی در ویتنام شکاف برداشت و برای نخستین بار در تاریخ جنبش‌های رهاشی بخش انقلابی، کشوری کوچک و مستعمره — قوی‌ترین قدرت امپریالیستی پیروز گردید.

در اوایل خرسپتامبر، هنگامیکه توده‌ها زحمتکش ویتنام انقلابی سرگرم برگزاری جشنهای استقلال بودند، سپاهیان چینی کمینتان از شمال و نیروهای امپریالیسم انگلستان از جنوب به بیانه‌نا بود کردن سرپازان ژاپنی، انقلاب و خلق ویتنام را آماج حمله قرار دادند. امپریالیسم فرانسه نیز در دسامبر ۱۹۴۶ به صف متجاوزین کمینتان و مزدوران انگلیسی پیوست.

شهاجم گسترده امپریالیست‌ها در راستای منافع عمومی آنها و جلوگیری از رشد و تکامل دمکراتیک ویتنام بود.

خلق قهرمان ویتنام به رهبری حزب کمونیست با جنگ انقلابی و قهرمانانه خود به دفاع از حاکمیت انقلابی و دستاورد های انقلاب خویش برخاست و در جریان نبردهای عادلانه و حماسی که سالها بطول انجام مید سرانجام با تسخیر "دین بین فو" در ۷ مارس ۱۹۵۴ پوز امپریالیسم فرانسه را به خاک مالید.

پس از شکست فضاحت با امپریالیسم فرانسه، امپریالیسم آمریکا برای سلطه غارتگرانه خود بر سرکوب انقلاب، وارد عرصه کارزار گردید.

تجاوز امپریالیسم آمریکا به ویتنام انقلابی، صفوف کارگران و زحمتکشان را در این کشور فشرده تر ساخت و حزب کمونیست ویتنام به رهبری هوشی مین کبیر بیش از پیش قدرتمند تر گردید. کارگران و دهقانان و زحمتکشان شمال و جنوب تحت رهبری حزب با ایثار و فداکاری — های بیشمار خود رفضل نوینی را در تاریخ مبارزات خلق ویتنام گشودند و امپریالیسم آمریکا، سرکرده امپریالیسم جهانی را با شکست مواجه ساختند و اردوی انقلاب جهانی را تقویت نمودند.

انقلاب ویتنام تجلی اراده و وحدت بیرولتاریا علیه بورژوازی جهانی است.

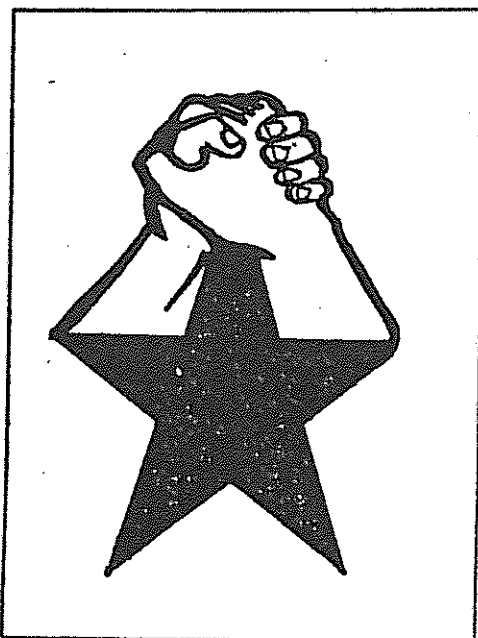
انقلاب ویتنام نمایشکر قدرت آن طبقه‌ای است که در قلب استثمارگران هراس افکننده و برترسانی نقشه‌های خائشانانه و توطئه‌های رنگارنگ بورژوازی خط بطلان میکشد.

امپریالیسم اما، بنابه ماهیت تجار و زکات رانه خود، هر کجا که توده‌های انقلابی برای کسب حقوق دمکراتیک و رهاشی از ستم و استثمار برپا خواسته‌اند به دخالت آشکارا پرداخته و مذبوحانه تلاش نموده است تا آنها را منکوب سازد.

اگر چه در آنگلستان و آمریکا در انقلاب نیکاراگوئه و تخریب در امور داخلی، توسط باندهای سیاه و ارتجاعی ساواژی در همین رابطه و برای جلوگیری از تعمیق انقلاب نیکاراگوئه انجام میشود.

اما تجار و زب نیکاراگوئه انقلابی بدون شک، همانطور که نمونه‌های تاریخی ویتنام و کوبا نشان داده است، حاصلی جز شکست مکرر نخواهد داشت.

با الهام از درسهای انقلاب ویتنام و پیکار رگبری تجار پگراشیهای مبارزات توده‌های زحمتکش و حزب قدرتمندش که مظهر آگاهی پرولتاریای رزمنده است، مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را جهت برقراری جمهوری دمکراتیک توده‌ای شدت بخشیم.



چند خبر از :

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

افکنشهای رژیم عراق قرار گرفت و خسارات مالی و جانی برای زحمتکشان بیار آورد از جمله روستاهای "بادین شاولی" و نه سنجی " ۵ تن مجروح شدند و یک نفر جان خود را از دست داد.

ساعت ۶ با مداخله روز ۱۲ شهریور ماه نیز بازار شیخ در شهر پیرانشهر هدف بمب افکنشهای عراقی قرار گرفت و خسارات مالی زیادی بیار آورد. روز ۱۳ شهریور ماه نیز منطقه سه رکوره پیرانشهر بمباران گردید و اهالی محبوس به ترک شهر گردیدند.

از جمله دونفر از اهالی مجروح گردیدند و تعدادی از احشام محله "دارسه - پیران" از بین رفت.

در همین روز روستاهای بخش "خاومیرشاولی" هدف آتش توپخانه رژیم عراق قرار گرفت و یکی از زحمتکشان روستای "بیلو" جان خود را از دست داد و

دو نفر دیگر بشدت مجروح شدند. در روستای "ساوجی" نیز ۴ نفر مجروح گردیدند.

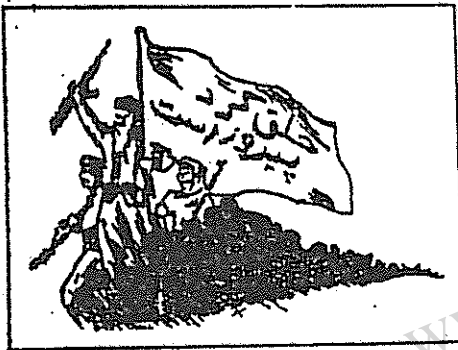
مریوان

روزهای ۱۷ و ۱۸ شهریور ماه هواپیماهای عراقی محله های "دارسه پیران" و "چوارباخ" را بمباران کردند که بر اثر آن خساراتی به اهالی وارد گردید.

مهاباد

روز ۱۸ شهریور ماه روستای "گوسه چهرز" واقع در منطقه شاربیران مورد تهاجم بمب افکنشهای عراقی قرار گرفت در اثر این بمباران هوایی یک کوردک ۱۲ ساله جان خود را از دست داد و ۵ نفر دیگر به سختی مجروح گردیدند. همچنین بسیاری از اماکن مسکونی ویران و متحمل صدمات گردید.

روز ۹ شهریور ماه بر اثر بمبارانهای بی دربی توسط رژیم عراق جوان ۱۴ ساله ای در منطقه شاربیران واقع در محور ارومیه - مهاباد جان خود را از دست داد و سه تن دیگر مجروح شدند. بر اثر بمباران ۶ ساختمان مرغداری در در همین منطقه ۳ تن از کارگران مجروح گردیدند.



غنائم بدست آمده

۸۱۱	جنگ افزار انفرادی
۹۱	انواع نارنجک
۱۰	بی سیم
۵۶۳۵۰	انواع فشنگ
۳۳۲	خشب
۱۴	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۶۶	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۶	بیوستن قریب خوردگان

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حرب دمکرات و کومه له برگرفته شده است.

تلفات دشمن

۲۷۵	کشته وزخمی
۳۳	اسرای دشمن
۲۹	خودروی منهدم یا مصادره شده
۱۱	سلاحهای منهدم شده
*	مهمات منهدم شده

۸۰٪ گلوله خمپاه ۱- تریلر و بیش از ۳۰ هزار فشنگ، انواع مختلف جنود یک ماهه عملیات پیشمرگان خلق کورد

۲۷ مرداد تا ۲۷ شهریور

عملیات پیشمرگه

۱۲	کمین و کنترل جاده
۴	مین گذاری
۳۰	تقابل در مقابل پورش رژیم
۵	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۴	خلع سلاح پایگاه
۳۰	مصادره و انهدام تاسیسات
۱۶۰	حمله به پایگاهها
۷۴۰	جمع

۲۴	شهدای پیشمرگه
۵	اهالی بی دفاع

سهرگه و توپ بروننه و هی شور شگیرانه ی گه لی کورد



گرامی باد خاطره

شهادای شهریور ماه سازمان

در کردستان

- * یعقوب تقدیری (امیر)
- * طهمورت اکبری
- * جمیل یخچالی
- * شهریار ناهید
- * احسن ناهید
- * ناصر سلیمی
- * منطقی شمس الدینی
- * قاسم معروفی
- * ابوبکر آرمان
- * محمدتقی فرومند (هایون)
- * جواد کاشی
- * انورا عظمی
- * رشید یزدان پناه (سکو)
- * بیژن جنتی
- * مرتضی خدا مرادی
- * سعیده کریمان
- * بهزاد شهلانی



پیاد صمد بهرنگی

ارس
ارس ، ارس ، ارس ای خون
ارس ، لهیب جنون
ارس ، ارس ، ارس ای خوف
ارس ، تلاوت مرگ
چگونه با او
○○○○○

شعله کشید و جوانه های امید به هستی
واقعی دردنیای نوین رهائی انسان که
زندگی و مرگ صمدنویس بخش آن بنود را
بارور ساخت ، به نحوی که صمد در جان و دل
میلیونها و نسلها ریشه دواند و جاری
گشت .

راز جاودانگی صمد نیز در همین است
که عنصر اندیشه های او جز پویا و آفریننده
در صفحه ۸

ارس صمد را به کام خود فرو کشید و
قلب صمد بهرنگی ، آموزگار انقلابی ،
نویسنده و یکی از پایه گذاران ادبیات
بالنده در ایران در قعر رودخانه زتپش
باز ایستاد . مرگ جانسور صمد که با خود
توده های محروم شهرها و روستاها ، روشن
فکران و هنرمندان انقلابی و کودکان
پابرنه و کهنه پوش رادرسوگ برد اما
آتش اندیشه های او در جان و دل رنج دیدگان

اخباری از جنبش توده های

در صفحه ۱۵

سرکوب ! سقوط یا نجات ارتجاع

قهرمانان مردم ایران خواهد درخشید .
روزی که توده های مبارز و انقلابی با
جانشانی ها و ابتکارات انقلابی خود ،
جنبش دمکراتیک فدا مپریالیستی سال
۵۷ را چندین گام به جلو سوق دادند . در
این روز خشم و کینه فروخته کارگران
در صفحه ۱۲

شهریور ماه نیز در تاریخ اخیس
مبارزات توده های زحمتکش ایران
با آذوقه های مشخص و مهمی است که
هیچگاه از خاطر نخواهد رفت ۱۷۰ شهریور
سال ۵۷ (جمعه خوشین) از جمله روزهای
تاریخی و فراموش ناشدنی است که بر
تاریخ مبارزات خونین و

برخی ملاحظیات

کمونیست یا اکونومیست ؟

زمانی بسیار دور چیزی نزدیک به
یک قرن پیش اکونومیست های نابروسی
نظیر مارتینف ها استدلال میکردند که
شرایط مبارزه سیاسی کارگران آماده
نیست و کارگران هنوز از درک مسائل
سیاسی بدورند باید آنها را حول مهمترین
خواسته های اقتصادی بسیج کرد و فعالان را
لیبرالها صحنه گردان سیاست باشند .
امروز کسانی پیدا شده اند که خود را
کمونیست می خوانند ولی نظریه
اکونومیستی مارتینف ها را تعمیق می
بخشند و کوشی به هر نحوی شده میخواهند از
مارتینف هم سبقت بگیرند . کسانی که
در صفحه ۱۳

راديو

صدای فدائی

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر

ساعات ۸/۵ بعد از ظهر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد



هفتی گون پیروز است

جدول يك ماهه
عليات پيشمرگان
خلق گورد

در صفحه ۲۱